

پیکار جوانان

نشریه عمومی



جنبش انقلابی جوانان افغانستان

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

قوس ۱۳۹۴ (دسامبر ۲۰۱۵)

شماره (۲۶)

دور دوم

خطاب به نیروها و شخصیت های ملی و دموکراتیک افغانستان

در شرایط و اوضاع کنونی که افغانستان در چنگال اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا قرار دارد و حاکمیتی پوشالی و دست نشانده بر مسند قدرت حکم میراند، بیکاری، فقر و بیماری دمار از روزگار مردم در آورده و توده های رنج دیده کشور در زندگی رنج آور و مشقت باری به سر میبرند و با بدبختی های روزافزون و فضای ترور و ختناق دست و پنجه نرم میکنند، تمديد حضور قوای اشغالگر امپریالیستی در کشور، این وضعیت فلاکتبار و دردناکیز کنونی را شدت و حدت بیشتری می بخشد. صفحه ۲



اعتصاب بر حق استادان کابل را سراسری بسازیم

بعد از اشغال افغانستان توسط اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا و روی کار آمدن رژیم دست نشانده حامد کرزی تا امروز نه تنها وضعیت زندگی کارگران و دهقانان به وخامت گرائیده بلکه زندگی معلمین و استادان در سراسر کشور بیش از پیش بدتر گردیده است. صفحه ۳



از شب گردی تا قرنطین سازی

در هفتم اکتوبر سال ۲۰۰۱ امپریالیست های غربی به سردمداری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا بالای افغانستان تجاوز نمودند، و یک رژیم دست نشانده به سرکردگی شاه شجاع ثالث را در این کشور شکل دادند. صفحه ۴



نقش ویرانگر کشورهای امپریالیستی در بحران اقلیمی جهان ص ۵

دانشجویان و جنبش های عدالت خواهی ص ۷

یاد جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور را گرامی میداریم ص ۱۰

په میدان وردگو ولایت کی د لاس پوڅي اردو جنایت په کلکوټکو غندو ص ۱۱

"بحران مهاجرت" ص ۱۱

دگوداگی اردو یوېل جنایت ص ۱۲

خطاب به نیروها و شخصیت های ملی و دموکراتیک افغانستان



اشغالگران امپریالیست از هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ میلادی که آغاز تهاجم ولشکر کشی امپریالیستی به خاک کشور محسوب میشود طی برنامه های متعدد خروج اشغالگرایانه شان را از کشور بارها مطرح کرده اند و در نهایت

در شرایط و اوضاع کنونی که افغانستان در چنگال اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا قرار دارد و حاکمیتی پوشالی و دست نشانده بر مسند قدرت حکم میراند، بیکاری، فقر و بیماری دمار از روزگار مردم در آورده و توده های رنج دیده کشور در زندگی رنج آور و مشقت باری به سر میبرند و با بدبختی های روزافزون و فضای ترور و ختناق دست و پنجه نرم میکنند، تمدید حضور قوای اشغالگر امپریالیستی در کشور، این وضعیت فلاکتبار و دردانگیز کنونی را شدت و حدت بیشتری می بخشد.

هنوز اشغالگری امپریالیستی از متن و بطن جامعه رخت نبسته است که اشغالگری دیگری تحت نام "داعش" در افغانستان سربلند نموده و زمینه تعرض جنگی در مناطقی از افغانستان را یافته است، که حامیان آن همانا اشغالگران یانکی اند.

متأسفانه افغانستان به دیگ بی سرپوشی بدل شده که حیات سیاسی، استقلال و تمامیت ارضی و آزادی های ملی و مدنی آن به زنجیر اسارت و غارتگری بیگانگان رقم خورده است و نظام فاسد و پوشالی که بر اریکه قدرت تکیه کرده چیزی نیست جزء قدرت ترکیبی که توسط جان کری وزیر خارجه امپریالیستهای اشغالگر تعیین گردیده و روی کار آمده است. از زمان روی کار آمدن این حاکمیت پوشالی، هیچ کار مثبتی انجام داده نشده جز از تداوم تباهی، دربرداری مردمان و فرار نسل جوان این کشور و نمیتوان از چنین رژیم سرهم بندی شده اشغالگران توقع بالاتری داشت. زیرا اشغالگران امپریالیست رژیمی را روی کار می آورند که منافع غارتگرانه و سلطه گرایانه شان را تحکیم بخشد و دوام و بقاء چنین رژیم ها به دوام و بقاء منافع اشغالگران یانکی و شرکای بین المللی شان در افغانستان وابسته است.

امروز اگر کلیه نیروهای ملی، دموکراتیک و وطندوست با همه زحمتکشان کشور، در مبارزه همگانی و رهائی بخش از زیر یوغ اسارت حرکت نکنند و در دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشورشان، حیثیت و اتوریتته اجتماعی شان و آزادی های ملی و مدنی شان به پا نخیزند و بسیج و هماهنگ نگردند و مساعی شریفانه و قاطعیت عمل به خرچ ندهند، وسایل و اطلاعات جمعی وطن دوستانه خویش را درین راه ایفاء نکنند، چگونه میتوان انتظار آن را داشت که این وضعیت اسفبار و دردانگیز کنونی را پایانی است!

دیده شد که غیر از پرده فریبی برای اذهان توده ها چیز بیش نبوده و نیست. آنها نیامده اند که به این سادگی از کنار تمام امتیازات و منافع شان بگذرند. آنها افغانستان را اشغال کرده اند تا هژمونی و اقتدار طلبی بین المللی شانرا در سطح جهان رقم زنند، آنها پیمان های امنیتی متعددی با رژیم دست نشانده شان عقد کرده اند. پیمان های استراتژیک و امنیتی که ضامن بقاء حضور دراز مدت اشغالگرانه شان در کشور است.

چند ماه قبل اوباما سردمدار قصر سفید اعلام کرد که ۹۸۰۰ تن از سربازان شان تا پایان سال ۲۰۱۶ میلادی از کشور خارج خواهند شد و در عوض ۵۵۰۰ تن از سربازان شان در قرارگاه های داخل کشور برای مدت طولانی مستقر خواهند گردید و به صورت دراز مدت در کشور باقی خواهند ماند. آخرین گفته های سردمدار قصر سفید با شور و اشتیاق زیاد از طرف رژیم دست نشانده مورد استقبال قرار گرفت. استقبال پرشور رژیم پوشالی ازین وضعیت بخاطری است که قبل برین قرار بود یکپهزار سرباز یانکی برای تامین امنیت سفارت امریکا در کابل مستقر شوند اما این تعداد حسب فیصله اخیر کنگره امریکا به ۵۵۰۰ تن افزایش یافت که نه تنها در تامین امنیت سفارت امریکا در کابل بلکه در تحکیم بقاء رژیم دست نشانده شان نقش بارزی دارد.

شرایط و اوضاع کنونی، از تمام نیروها و شخصیت های ملی، دموکراتیک و ترقی خواهان کشور و تمامی جوانان و هموطنان آزادیخواه می طلبد که در جهت برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی، همگام و همصدا شده و پرده از چهره های سیاه اشغالگران و خائنین ملی بردارند.

تداوم چنین مقاومتی است که به ما امکان جذب نیروهای مترقی و پایان دادن به دوام اشغالگری و رژیم میهن فروش اشغالگران و همچنان پایان دادن به حرمان و مصیبت

اجتماعی را طبق برنامه و نقشه روشن مقاومت ملی مردمی و انقلابی را میدهد.

به هر درجه که مردم محروم و ستمدیده جامعه از رژیم پوشالی نا امید میشوند به همان درجه نیروهای ملی و دموکراتیک باید بتوانند نقش خود را برای رهائی ستمدیدگان جامعه در میدان عمل مبارزاتی به خوبی بازی کنند تا بتوانند بر تمامی این غارتگری ها و ویرانگریهای که ریشه مادی دارد خط بطلان بکشند.

رژیم پوشالی که دست نشانده اشغالگران امپریالیست است هرگز نمیتواند از توده های ستمدیده جامعه نمایندگی کند، بلکه خود منشاء فساد و عامل بقای فقر و فلاکت عظیم اجتماعی و فرار نسل جوان از کشور است که هر روز بدتر از قبل دامن هموطنان ستمدیده مان را میگیرد.

پایان دادن به این مصیبت ها فقط در قدرت نیرویی است که نه تنها هیچ منفعتی در حفظ و بقاء وضعیت موجود ندارد بلکه در تضاد طبقاتی با آن قرار میگیرد. دامن زدن به

مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع «داعشی» بخش بزرگی از همین رسالت اجتماعی است که باید در قبال کشور و مردمان کشور اداء نمود و این امکان ندارد مگر با تشریک مساعی تمامی نیروها و شخصیت های ملی، دموکراتیک و آزادیخواه سرزمین مان!

یه یقین باید گفت که وجود نیروها و شخصیت های ملی و دموکراتیک و آزادیخواه سرزمین مان به سرعت میتواند به نقطه امید و رهائی میلیونها مردم ستمدیده و مصیب زده افغانستان بدل شود. این نیرو مترقی باید خود را هرچه سریعتر از حاشیه به متن جامعه برساند و «جنبش انقلابی جوانان افغانستان» درین راستا متعهد و مصمم است و برای برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی از هیچ گونه سعی و تلاشی دریغ نخواهد کرد و درین راستا تمامی نیروها و شخصیتهای ملی و دموکراتیک کشور را برای تلاش مساعی و مشترک فرا میخواند.

اعتصاب بر حق استادان کابل را سراسری بسازیم

بخوبی درک نموده اند که رژیم دست نشانده کنونی از متن انتخابات مضحکه که مورد قبول خودشان نبود بیرون نیامده، بلکه در اثر مداخلات مستقیم امپریالیزم امریکا و شخص جان کری وزیر خارجه آن به کرسی چاکر منشی تکیه زده اند. حقیقت بیانگر آنست که رژیم کنونی خیلی فاسد تر از رژیم دست نشانده حامد کرزی است. پس از رژیمی که نزد مشمولان و منسوبان خود جایگاه قانونی ندارد نباید توقعی بیش از این داشت.

اخیرا اشرف غنی با صدور فرمانی حقوق و امتیازات استادان پوهنتون را به شدیدترین وجه تقلیل داده است و استادان پوهنتون کابل در ضدیت به فرمان ارتجاعی اشرف غنی عکس العمل نشان داده و خواهان لغو این فرمان شده اند. مدت ۱۳ روز از اعتصاب استادان میگذرد، اما رژیم پوشالی هیچ اعتنایی به اعتصاب استادان ننموده است. استادان روز شنبه مورخ ۱۴ قوس ۱۳۹۴ تظاهرات نمودند و از پوهنتون کابل تا دروازه پارلمان رژیم دست نشانده راه را پیمودند و از پارلمان رژیم خواهان دادخواهی شدند، پارلمان پوشالی رژیم بخاطر فروکش کردن این اعتصاب وزیر تحصیلات عالی را برای هفته آینده استجواب کرده است، ولی استادان گفته اند که تا لغو این فرمان از اعتصاب شان دست نخواهند کشید. گردهمایی روز پنجشنبه مورخ ۲۶ قوس ۱۳۹۴ نیز مقابل دروازه وزارت تحصیلات عالی کشور با دخالت پولیس

بعد از اشغال افغانستان توسط اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا و روی کار آمدن رژیم دست نشانده حامد کرزی تا امروز نه تنها وضعیت زندگی کارگران و دهقانان به وخامت گرائیده بلکه زندگی معلمین و استادان در سراسر کشور بیش از پیش بدتر گردیده است.

دو دلقک سیاسی (غنی و عبدالله) که اکنون قدرت سیاسی را در دست گرفته اند در جریان کمپاین های انتخاباتی مضحکه نمایشی ریاست جمهوری سال گذشته به معلمین و استادان وعده های دروغین سر خرمن را دادند. آنها در جریان کمپاین وعده دادند همینکه قدرت سیاسی را قبضه کنند در وضعیت زندگی معلمین و استادان تغییری بوجود می آورند. زمین و سرپناه برای شان داده می شود و معاشات شان افزایش می یابد. به محض اینکه قدرت سیاسی را قبضه نمودند همه وعده ها به باد فراموشی سپرده شد. علاوه براینکه وعده ها به فراموشی سپرده شد، رژیم پوشالی می خواهد که هم اکنون همان امتیازات ناچیز شانرا از آنها نیز بگیرد.

وعده های سرخرمن و دروغین دلقکان سیاسی نه تنها توده های زحمتکش بلکه استادان و معلمین را دچار توهم نمود، و آنها را به پای صندوق های رای کشاند.

امروز توده های ستمدیده و بخصوص استادان و معلمین کشور

اعتصاب استادان پوهنتون کابل بمتابه مبارزه ای برای حقوق صنفی شان یک حق اصولی بوده، اما بی سرنوشتی محصلین و به تعویق افتادن امتحانات نهایی شان بر آنها ضربه وارد می نماید. مسئولیت تمام این زیان ها بدوش اشغالگران و رژیم پوشالی است.

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان" ضمن اینکه از اعتصاب بر حق استادان حمایت می نماید، یکبار دیگر تجدید پیمان می بندد که با تمام توان و نیرو برای تدارک و برپایی مقاومت ملی مردمی و انقلابی تا زمان بیرون راندن اشغالگران و سرنوشتی رژیم دست نشانده و استقرار جامعه دموکراتیک نوین به مبارزات جدی و بی امان خویش ادامه دهد. بناء تمامی استادان و معلمین متعهد کشور را در این مسیر مبارزاتی فرا می خواند.

به پیش در راه بر پای و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده

پیروز باد مبارزات بر حق استادان

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

۲۷ قوس ۱۳۹۴ (۱۸ دسامبر ۲۰۱۵)

متواری گردید اما این اعتصاب کماکان به قوت خود باقی است. استادان باید به این نکته خوب توجه نمایند که چشم داشت از رژیم پوشالی و پارلماننش یک توقع بی جا و بی مورد است. رژیم که خود مسئول این همه فلاکت و بدبختی است نه می تواند و نه می خواهد که اینگونه توقعات را بر آورده سازد، به این خاطر این اعتصاب باید دامنه وسیعتری را بخود اختیار نماید و در سراسر کشور از هماهنگی و حمایت دیگر پوهنتون ها برخوردار شود و در یک کلام اعتصاب برحق استادان کابل باید سراسری گردد تا بتواند به عنوان اهرم فشار عمل کند.

فقط با مبارزات اصولی، روش مند و پیگیر مبتنی بر استقلال طلبی، آزادی و مبارزه برای بیرون راندن اشغالگران و سرنوشتی رژیم دست نشانده و ایجاد جامعه دموکراتیک نوین است که میتوان بر تمام این نابسامانی ها خط بطلان کشید.

بناء استادان و معلمین کشور رسالت و مسئولیت بزرگی برای آموزش محصلین و متعلمین دارند تا آنها را نسلی عصیانگر و مبارز تربیه نمایند، تا بتوانند با مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی به پا خیزند، و هم پا با توده های زحمتکش اشغالگران امپریالیست را از کشور بیرون رانده و رژیم پوشالی را از قدرت به زیر کشند و شیرازه ستم و نابرابری را از بنیاد براندازند.

از شب گردی تا قرنطین سازی



گفته بود که این عمل خلاف عرف و عنعنات افغان ها به شمار می رود، زمانیکه وی ازین سربازان خواست تا از بالای بام های مردم پایین بیایند فرمانده این محافظین با پر رویی تمام به شاه شجاع سوم گفت که وی اجازه این کار را ندارد.

این وضعیت تا زمانی ادامه یافت که یک قطعه خاص بنام (PPS) که از بی مهین ترین سربازان بومی تشکیل شده بود از سوی کارمندان CIA تحت تربیت قرار گرفت و بعد از ماه ها تمرین نظامی این قطعه در اختیار شاه شجاع سوم قرار داده شد، قسمی که قبلاً یاد آور شدیم منسوبین این قطعه در پهلوی بی میهنی

جاوید

در هفتم اکتوبر سال ۲۰۰۱ امپریالیست های غربی به سردمداری امپریالیزم لجام گسیخته آمریکا بالای افغانستان تجاوز نمودند، و یک رژیم دست نشانده به سرکرده گی شاه شجاع ثالث را در این کشور شکل دادند.

توده های زحمتکش افغانستان از همان آغاز به ماهیت واقعی شاه شجاع ثالث و رژیم پوشالی که از سوی متجاوزین بیرونی شکل گرفته بود پی بردند، از سوی دیگر شاه شجاع ثالث هم که به سرسپردگی و مزدورمنشی خویش برده بود، وی می دانست که در میان توده های میلیونی جای پای ندارد از همین رو برای ادامه زندگی نکبتبار و ننگین خویش محافظین خارجی را استخدام نمود و سال های سال توسط محافظان مربوط به قوای اشغالگر محافظت می شد.

زمانی شاه شجاع سوم برای ریختن اشک تمساح و توجیه جنایت متجاوزان یانکی به دستور بادهای غربی شان در مراسم فاتحه تعدادی از شهدای مظلوم ما که از سوی سربازان اشغالگر امریکایی به شهادت رسیده بودند، شرکت کرده بود در این مراسم محافظین خارجی این چاکر منش بالای بام های مردم بالا شده بودند یکی از وارثین شهدا به غلام حلقه بگوش امریکا

در پهلوی آن منصوبین قطعه (PPS) تمامی کارمندان، و دفاتر وزارت تحصیلات عالی را توسط سگ های مخصوص تلاشی نمود. و به مامورین این وزارت هشدار دادند که تا زمان برگشت دوباره اشرف غنی، آنان حق برآمدن از دفاتر خویش را ندارند.

با ورود مزدور حلقه به گوش آمریکا محوطه وزارت به شمول بام های آن به محاصره نگهبانان وی درآمد، به اساس گفته های یکی از مامورین این وزارت قبل از ورود اشرف غنی محافظین وی حتا به مدیر امنیت وزارت که "سیرت" نام دارد نیز اجازه ورود به داخل وزارت را ندادند.

البته این کار تنها به اشرف غنی و شاه شجاع ثالث محدود نمی باشد، سه سال قبل معاون اول شاه شجاع سوم یعنی مارشال فهیم، قبل از ورود به تالار عمومی پارلمان پوشالی از سوی سگ ها تلاشی شده بود که این کار با واکنش شدید بعضی وکیلان مزدور مواجه شده بود.

قسمی که در ابتدا گفتیم افغانستان امروزی یک کشور مستعمره - نیمه فیودال است، این کشور از سوی امپریالیسم غربی اشغال شده است و یک رژیم پوشالی توسط اشغالگران خارجی در این کشور شکل گرفته است، مهره های این رژیم از بی ضمیرترین و وطن فروش ترین افراد انتخاب شده است، این عناصر مزدورمنش به دلیل نداشتن پایگاه مردمی و ارتکاب جنایات بی شمار حتی از سایه خویش نیز در هراس هستند از همین رو حتی بالای مامورین خویش نیز اعتماد ندارند و قبل از رفتن به هر اداره تمامی کارمندان آن اداره را توسط سگ ها تلاشی می کنند.

و چاکرمنشی، افراد نهایت درنده خو و ددمنش هستند، چون از سوی سازمان جهنمی CIA آموزش داده شده اند از این رو خود را پایبند هیچ اصول نمی دانند. از همین رو هر زمانیکه شاه شجاع سوم از ارگ بیرون می رفت سربازان اوباش وی مردم عام را به بهانه تامین امنیت شاه شجاع سوم بسیار آزار و اذیت می نمودند.

با پایان یافتن دوره مزدوری شاه شجاع سوم و استخدام مزدور جدید از سوی امپریالیست های یانکی و شکل گیری شرکت سهامی تحت عنوان (حکومت وحدت ملی) این قطعه در خدمت اشرف غنی قرار گرفت، اشرف غنی که از جمله جواسیس درجه یک آمریکا به حساب می آید، در روزهای نخست مزدور منشی خویش برای پاشیدن خاک در چشمان مردم دست به اقدام نمادین زد و برای مدت محدودی به شب گردی پرداخت و به صورت غیر مترقبه در ادارات ملکی و نظامی حضور می یافت، سرکرده ریاست اجراییه برای اینکه از اشرف غنی در مزدور منشی و عوام فریبی عقب نماند برای یک روز با پای پیاده تا محل کارش رفت، اما با گذشت چند روز به دستور بادران خارجی خویش اشرف غنی از این حرکت عوام فریبانه خویش دست کشید و مثل شاه شجاع سوم برای رفتن به هر اداره ملکی و یا نظامی از یک ساز و برگ بزرگ نظامی استفاده می کند، که این کار وی مشکلات جدی را برای شهریان شهر کابل به وجود آورده است.

به تاریخ ۲۴ قوس سال روان جاسوس آمریکا جهت افتتاح کنفرانس ملی تکنالوژی معلوماتی به وزارت تحصیلات عالی رفت، اما قبل از رفتن وی تمامی راه های منتهی به وزارت تحصیلات عالی از سوی ریاست ده امنیت دولتی، قطعه محافظت "رجال برجسته" و قطعه (PPS) مسدود شده بود.

نقش ویرانگر کشورهای امپریالیستی در بحران اقلیمی جهان

جاوید (۱۳۹۴/۹/۲۵)



ماه گذشته سران ۱۵۰ کشور جهان و سرکرده گان نظام های امپریالیستی در پایتخت کشور فرانسه گرد هم آمده بودند، تا در مورد بحران اقلیمی جهان راه حل دریابند، در این کنفرانس سرباند قصر سفید با دیده درایی تمام گفت که کشورهای جهان باید برای مهار بحران اقلیمی دست به دست هم بدهد و متحدانه علیه این پدیده مبارزه نمایند این درحالی است که امپریالیسم یانکی بزرگترین تولید کننده گازهای گل خانه یی جهان می باشد، قبل از آن که در مورد بحران تغییرات اقلیمی جهان صحبت کنیم خوب است که محیط زیست را تعریف کنیم.

محیط زیست؛ همه آن فضایی است که زندگی در آن جریان دارد، که شامل خاک، آب و هوا می باشند.

عوامل تغییرات اقلیمی (زیست محیطی)

زرات خانه های هستوی

کشورهای امپریالیستی و در راس آن امپریالیست های یانکی سالانه صدها میلیارد دالر جهت وسعت دادن زرات خانه های هستوی به مصرف می رسانند، این زرات خانه ها به منابع بزرگ سود برای این کشور مبدل گردیده است، در این زرات خانه ها سالانه صدها بمب و کلاهک هستوی تولید می گردد.

امپریالیزم امریکا این بمب ها و کلاهک های هستوی را با قیمت بسیارگزاغ و کمروشکن به کشورهای دیگر به فروش می رساند، امپریالیست های امریکایی برای تهیه کردن مواد سوخت این زارت خانه ها یورانیوم کشورهایی که در آن این ماده پیدا می شود را به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشغال می کند.

زرات خانه های هستوی منابع بسیاربزرگ تولید کننده گازهای گل خانه یی به شمار می رود، از سوی دیگر زباله های این زرات خانه های هستوی از سوی کشورهای امپریالیستی درکشورهای مستعمره و نیمه مستعمره دفن می گردد که این کار خطرات جدی رابرای باشندگان این کشورها به بار می آورد.

قسمی که درابتدا گفتیم که کشور های امپریالیستی و در راس آن امپریالیزم لجام گسیخته امریکا عاملین اصلی بحران اقلیمی در سطح جهان به حساب می آیند، این کشورها با داشتن هزاران فابریکه تولیدی زیادتترین گازهای گلخانه یی را تولید می کنند.

اما این کشورها کمترین توجه برای بهبود محیط زیست می نمایند، بناً تا زمانیکه نظام امپریالیستی در سطح جهانی حاکم باشد توده های میلیونی در پهلوی ده ها بد بختی (جنگ های خانه مان سوز امپریالیستی، فقر و انواع بیمارهای فراگیر) بایک آفت جدی تحت عنوان بحران اقلیمی روبه روخواهندشد، به اساس راپورها در صورتی که گرمایش زمین به همین گونه ادامه داشته باشد تا سال ۲۰۳۰ هر سال به طورمیانگین سالانه تنها ۲۵۰ هزار تن به اثر بیماری های انتانی و باکتریایی جان خواهند داد.

بناً توده ها زحمتکش باید در سراسر جهان با جنبش های انقلابی همان کشور بپیوندند و در صورتیکه درکدام یکی از این کشورها چنین جنبش ها وجود نداشته باشند باید چنین جنبش ها را ایجادکنند و در زیر درفش رهایی بخش این جنبش ها علیه نظام ظالمانه امپریالیستی دست به مبارزه بی امان بزنند.

در غیر آن نظام ددمنش امپریالیستی در ظرف چند سال آینده بشریت را با یک فاجعه مدهش دیگر روبه رو خواهد ساخت، چون قدرت های امپریالیستی جز به منافع خویش به هیچ چیز دیگر فکر نمی کنند.

- قطع جنگلات.
- شکار نامحدود.
- نابودی حیات وحش.
- بیابان زایی.
- شکاف لایه اوزون.
- تولید گازهای گل خانه یی.
- وجود زرات خانه های هستوی.
- جاری ساختن فاضلاب کیمیاوی شرکت های بزرگ در دریا ها.
- ریختن نفت خام در ابحار در اثر انفجار نفت کش ها.
- استفاده از طیارات جنگی و موشک های فوق پیشرفته در نبردها و آزمایش های نظامی.
- گرم شدن کره خاکی.
- تغییر در چرخه آب.
- استفاده از تیل بی کیفیت.

قطع جنگلات

جنگلات نقش بسیار به سزا در تصفیه و توازن آب و هوا بازی می کنند، از بین رفتن جنگل ها تاثیر بسیار مخرب بالای محیط زیست می گذارد، خشک سالی، آلودگی هوا، سیل و توفان های بسیار شدید از عواملی است که در نتیجه قطع بی رویه جنگل ها به وجود می آید.

امپریالیست ها برای بدست آوردن سود های سرشار در سراسر جهان دست به قطع جنگل ها می زنند که نابودی جنگل های امزون (شش های دنیا) را می توان به عنوان نمونه یاد نمود.

گاز های گلخانه یی

گازهای گل خانه یی از جمله گازهای مخرب است، که درپهلوی ازبین بردن لایه اوزون تاثیر بسیار ناگوار بالای حیات تمامی موجودات زنده می گزارد، گاز های گل خانه یی موجب گرم شدن زمین می گردد در نتیجه گرم شدن زمین آب های موجود زمین به بخار تبدیل می گردد که در نتیجه آن منابع آب شیرین در سطح کره زمین کاهش می یابد، از سوی دیگر گرمایش زمین باعث می گردد تا یخچال های قطب شمال آب گردد از سوی دیگر در اثر گرم شدن زمین آب های اقیانوس ها منبسط گردد که در نتیجه آن بسیاری از جزایر و کشورهای ساحلی زیر آب خواهد گردید. این گاز ها از سوی کارخانه های بزرگ صنعتی تولید می گردد، تمامی کشور امپریالیستی به شکل بسیار بی رویه دست به تولید گازهای گل خانه یی می زنند.

دانشجویان و جنبش های عدالت خواهی

جاوید (۱۳۹۴/۹/۱۵)



این عنوان سیمیناری است که به تاریخ پنج عقرب سال ۱۳۹۴ در تالار مولانا جلال الدین بلخی موسسه تحصیلات عالی غرjestان برگزار شده بود، محمد امین جوادی رییس موسسه تحصیلات عالی غرjestان و دوکتور محمد امین رشادت معاون علمی - تدریسی موسسه تحصیلات عالی غرjestان از جمله سخنرانان این سیمینار بودند. قبل از این که سخنان اینان را مورد نقد قرار دهیم، خوب خواهد بود که در مورد موسسات تحصیلات عالی خصوصی به طور عموم و در مورد موسسه تحصیلات عالی غرjestان به شکل خاص نظر گذرا داشته باشیم.

بعد از تجاوز ددمنشانه امپریالیزم غربی به سردمداری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا بالای افغانستان و شکل دادن رژیم دست نشانده از سوی آن ها اولین قدم های خصوصی سازی که از خصیصه های بارز نظام ظالمانه بازار آزاد است نیز از سوی متجاوزین بین المللی و حاکمان خون آشام بومی شان برداشته شدند.

در حالیکه پس از کسب استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ از استعمار پیر انگلیس توسط شاه امان الله خان غازی، وی به اثر تشویق رهبر انقلاب ۱۹۱۷ کتبر در سه قسمت (صحت عامه، تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی) برای مردم افغانستان خدمات ریگان را آغاز نمود، که این سلسله تا زمان حاکمیت طالبان ادامه داشت. اما قسمی که در بالا تذکر دادیم با تجاوز نظامی امپریالیزم یانکی روند خصوصی سازی در تمامی بخش ها و خصوصا در قسمت های (صحت، معارف و تحصیلات عالی) در افغانستان آغاز گردید.

"کاردان" اولین موسسه تحصیلات عالی خصوصی بود که در افغانستان ایجاد گردید، به مرور زمان به تعداد این موسسات افزوده شد که فعلا ۱۹۲ موسسه تحصیلات عالی خصوصی در کشور فعالیت دارد.

ویژگی های بارز موسسات تحصیلات عالی خصوصی

- گرفتن فیس گزاف.
- پایین بودن کیفیت تحصیلی.
- نبود و کمبود مواد درسی.
- ترویج روحیه تسلیم طلبی و انقیاد ملی.

در پهلوی موارد فوق اکثر موسسات تحصیلات عالی خصوصی متعلق به رهبران مرتجع وابسته به رژیم دست نشانده می باشند که به عنوان نمونه به چند مورد ذیل اشاره می کنیم.

- موسسه تحصیلات عالی خصوصی دعوت مربوط به عبدالرب رسول سیاف.
- موسسه تحصیلات عالی خصوصی خاتم النبیین مربوط به شیخ آصف محسنی.
- موسسه تحصیلات عالی خصوصی مشعل مربوط به انجنیر احمد شاه احمدزی.
- موسسه تحصیلات عالی خصوصی افغانستان مربوط به فرامرز تمنا.
- موسسه تحصیلات عالی خصوصی غرjestان مربوط به جعفر مهدوی.

موسسه تحصیلات عالی غرjestان توسط گروه انشعابی پوهنتون کاتب در سال ۱۳۸۹ در حوزه سوم شهر کابل تاسیس شد، موسسه تحصیلات عالی غرjestان از سوی طرف دار محمد محقق و جعفر مهدوی به شکل مشترک اداره می شد، به مرور زمان میان هیات رهبری این نهاد تحصیلی اختلافات به میان آمد که در نتیجه جناح به رهبری جعفر مهدوی توانست رهبری موسسه تحصیلات عالی غرjestان را بدست بگیرد.

دانشجویان و جنبش های عدالت خواهی

گرداننده: محمد آصف طیبی

دوستان عزیز سیمینار امروز را بایک سوال و پرسش آغازگر می شویم.

میان دانشجویان و جنبش های عدالت خواهی چی ارتباط وجود دارد؟

نکات برجسته سخنان محمدآمین جوادی

شکل گرفت و علیه نظام موجود دست به اعتراض زد و موجب برکناری یک نظام دیکتاتوری گردید.

اما درباره ایجاد جنبش های دانشجویی در افغانستان اختلاف نظر وجود دارد بعضی از مورخین ۱۳۲۹ را سال ایجاد جنبش دانشجویی می دانند، درحالیکه یک تعداد دیگر ۱۳۳۷ را تاریخ آغاز جنبش های دانشجویی در افغانستان عنوان می کنند.

مشکلات عمده جنبش دانشجویی افغانستان

جنبش های دانشجویی کمتر برخاسته از ذهن دانشجو است.

جنبش های دانشجویی افغانستان همواره شکل ایدلویژیک به خود گرفته است.

جنبش های دانشجویی در افغانستان چهره قومی دارند.

احزاب سیاسی از جنبش های دانشجویی سو استفاده کرده است.

نکات مثبت جنبش های دانشجویی افغانستان

جنبش های دانشجویی همواره نارسایی نظام های سیاسی را مورد نقد قرار داده است.

جنبش های دانشجویی درکمال گرایی و اصول گرایی جامعه نقش عمده را بازی نموده است.

جنبش های دانشجویی در تحصن محصلین سال ۱۳۹۲ نقش برجسته را ایفا نمودند.

جنبش های دانشجویی در راه پیمایی بیست عقرب حماسه آفریدند.

نکات برجسته سخنرانی دکتر محمدآمین رشادت

جنبش ها به دو دسته بزرگ تقسیم شده است.

اول: جنبش های انقلابی.

○ جنبش های انقلابی جریان های خشونت طلب و خون ریز هستند. جنبش های انقلابی به دلیل چهره خشن در سطح جهان با انزوا روبه هستند و چانس پیروزی شان بسیار اندک می باشند.

دوم: جنبش های اصلاحی.

○ جنبش های اصلاحی به دنبال دگرگونی و خشونت نیستند و درصدد اصلاحات می باشند. جنبش های اصلاحی به دلیل مبارزه نرم افزاری و پرهیز از خشونت از حمایت وسیع توده یی برخوردار هستند، و شانس پیروزی شان بسیار زیاد می باشند.

- باید دانشجو تفکر انتقادی داشته باشد.
- اگر از شیوه تدریس استاد راضی نیستی بالایش انتقاد کن.
- متاسفانه جامعه ما دچار عدم تفکر انتقادی است.

- جنبش ها به طور عموم به دو دسته قابل تقسیم هستند.

- جنبش های کلاسیک
- جنبش های معاصر

- جنبش های کلاسیک در نظام های دیکتاتوری و توتالیتر شکل می گرفتند؛ مانند: جنبش های کارگری، جنبش های ضد استبداد و جنبش های زنان.

- جنبش های مدرن جنبش های اند که در بستر نظام های دموکراتیک شکل می گیرند؛ مانند: جنبش های دانشجویی، جنبش های محیط زیست، جنبش اقلیت ها و جنبش های عدالت خواهی.

- جنبش های عدالت خواهی و جنبش های دانشجویی به دنبال تغییر در نظام مسلط است.

- جنبش های دانشجویی و عدالت خواهی دارای چند ویژگی اند.

الف: اختیاری هستند.

ب: دواطلبانه اند.

ج: پرسش گر هستند.

د: انتقاد گر هستند.

اهداف جنبش های دانشجویی

- نفی مناسبات تبعیض آلود.
- نقد کم کاری نظام حکومتی.
- اعتراض بر کهنه بودن میتود درسی.
- انتقاد بالای کیفیت پایین درسی.
- اعتراض بالای وضعیت خراب لیلیه ها.

تاریخچه مختصر جنبش های دانشجویی جهان

اولین جنبش دانشجویی در یکی از پوهنتون های کشور فرانسه شکل گرفت، دانشجویان یکی از پوهنتون ها بالای قوانین دانشگاه که مشابه قوانین یک قرارگاه نظامی بودند اعتراض کردند و ریاست دانشگاه را اشغال نمودند. برخورد پولیس با این جنبش بسیار خشن و سرکوبگرانه بود، نیروی های نظامی بالای دانشجویان معترض آتش گشودند که در نتیجه پنجاه تن از دانشجویان مجروح و ۳۰۰ دانشجو از سوی پولیس دستگیر شدند.

دومین جنبش دانشجویی در سال ۱۹۸۰ در چین شکل گرفت و بالای رهبری حزب کمونیست انتقاد نمود و با تجمع در میدان تیانمین خواهان اصلاحات در حکومت گردیدند، متاسفانه که این جنبش هم به شدت سرکوب گردید و تعداد زیادی از دانشجویان در آن واقعه کشته، مجروح و دست گیر گردیدند.

سومین جنبش بزرگ دانشجویی در سال ۱۹۹۰ در کشور صربستان

- چرا آن دختر که از پدرش حمل گرفته است علیه پدرش انتقاد نمی کند؟
- چرا ما تفکر انتقادی نداریم؟
- دانشجویان می تواند وضعیت موجود را انتقاد کنند.
- وضعیت فعلی ما یک وضعیت بیمار گونه است.

نقد سخنان محمد امین جوادی

محمد امین جوادی دانش آموخته ایران می باشد، وی ضمن خویشاوندی با جعفر مهدوی مسوول بخش فرهنگی "حزب ملت افغانستان" نیز می باشد، جعفر مهدوی با استفاده از نفوذ خویش وی را به ریاست موسسه تحصیلات عالی غرjestان نصب نموده است.

آقای جوادی رژیم دست نشانده را دولت دموکراتیک می داند و علاوه می کند که جنبش های دانشجویی فقط فقط در چنین جوامع شکل گرفته می تواند، این در حالی است که وی در یک قسمت دیگر از سخنان خویش می گوید که جنبش های دانشجویی فرانسه، چین و ویرستان در جوامع شکل گرفت که استبداد در آن حاکم بود.

آقا جوادی می گوید که جنبش های دانشجویی به دنبال تغییر نظام مسلط هستند، آیا واقعاً چنین است؟

نخیر!

هرگز نه!

هیچ جنبش دانشجویی در طول تاریخ به دنبال تغییر نظام نبوده است و در آینده نیز نخواهند بود، جنبش های دانشجویی اکثراً به دنبال خواست های صنفی خویش می باشند، در موارد نادر بعضی از جنبش های دانشجویی به دنبال اصلاحات در نظام های فرتوت و گندیده سرمایه داری هستند، نه به دنبال تغییر این نظام ها.

آقا جوادی می گوید که دانشجویان و جنبش های دانشجویی در تحصن محصلین سال ۱۳۹۲ و راهپیمایی بیست عقرب نقش برجسته ایفا کردند و حماسه آفریدند، آیا واقعاً دانشجویان و جنبش های مربوط به آنان در این واقعات چنین شهکاری هایی از خود نشان دادند؟

در سال ۱۳۹۲ فیصل امین استاد پوهنتون کابل تعدادی از محصلین را در امتحانات فاینل ناکام کرده بود، یک تعداد از محصلین فرصت طلب و اعضای جامعه مدنی (پادوهای رژیم دست نشانده) در مقابل پارلمان رژیم دست نشانده دست به تحصن زدند.

آیا گدایی نمودن حقوق حقه خویش از پارلمان رژیم دست نشانده شهکار به حساب می آید؟

آیا درخواست عدالت از عاملین جنایت زابل و دست نشانندگان امپریالیزم یانکی در ارگ حماسه آفرینی است؟

نه!

نه!

نه!

هرگز نه!

اشغالگران یانکی و رژیم دست نشانده عاملین اصلی فاجعه زابل هستند. چون پروژه داعش در افغانستان از سوی امپریالیزم لجام گسیخته امریکا و رژیم دست نشانده و به خصوص از سوی جاسوس دو سره نظام پوشالی (محمد حنیف اتمر) به پیش برده می شود، خواستن عدالت از سوی مجریان فاجعه نه تنها حماسه آفرینی نیست بلکه نهایت تسلیم طلبی و جبونی را نشان می دهد.

آقای محمد امین جوادی می گوید که جنبش دانشجویی در چین در سال ۱۹۸۰ ایجاد شده است در حالیکه این جنبش در سال ۱۹۱۹ شکل گرفته است، وی هم چنان می گوید که جنبش دانشجویی چین علیه منشی عمومی حزب کمونیست دست به اعتراض زده بودند، در حالیکه بعد از پدروود حیات صدر مائو و حاکم شدن باند رویزیستی عملاً حزب کمونیست به یک حزب ضد انقلابی و ضد کمونیستی مبدل شده بود.

نقدی بر سخنان محمد امین رشادت

قسمی که در سطور اولیه این نگاره گفتیم که موسسات تحصیلات عالی خصوصی مشغول ترویج روحیه انقیاد ملی و تسلیم طلبی هستند، این مساله در سخنان آقا رشادت به وضاحت تمام به مشاهده می رسد، وی می گوید که جنبش های انقلابی در سطح جهانی با انزوا روبه روهستند و چانس پیروزی آن بسیار کم هست، در حالیکه واقعیت چیز دیگری است، از انقلاب پیروزمند فرانسه گرفته تا انقلاب بی نظیر اکتبر و از انقلاب بزرگ چین گرفته تا انقلاب الجزایر همه شان از سوی جریان های انقلابی رهبری شده است، جریان های انقلابی نه تنها در سطح جهانی به سوی انزوا نرفته است بلکه با گذشت هر روز به سوی شگوف شدن در حرکت هستند.

جریان های اصلاح طلب که اکثرشان از سوی بورژوازی رهبری می شوند و هدف شان اغفال توده ها و توجیه نمودن اعمال ضد بشری نظام ظالمانه امپریالیستی هستند با گذشت هر روز چهره و سیمای حقیقی آن به توده های زحمتکش روشن می گردد و با گذشت هر روز به شدت پایه های نیم بند مردمی شان که از سوی امپریالیست ها به شکل کاذب و وارونه ساخته شده است را از دست می دهند و اگر حمایت های مالی و سیاسی بی دریغ نظام های امپریالیستی در عقب این جریان ها نباشد به زودی این جنبش ها به زباله دان های تاریخ سپرده خواهند شد.

نتیجه گیری نهایی

در جامعه طبقاتی همه چیز صبغه طبقاتی دارد، جنبش های دانشجویی هم تافته جدا بافته از جامعه طبقاتی نیستند، منشا طبقاتی دانشجویان گوناگون است چون هر دانشجو نماینده سیاسی یک طبقه می باشند اما موضع طبقاتی دانشجویان در جنبش های دانشجویی یکسان می باشند و همه شان از موضع خورده بورژوازی دفاع می کنند.

از سوی دیگر جنبش های دانشجویی اکثراً خواست های صنفی دارند از این لحاظ نمی توانند که تغییرات و دیگرگونی را در یک نظام سیاسی بیاورند.

اعضای جنبش های دانشجویی به طور عموم روشنفکران می باشند، و تا زمانیکه روشنفکر در یک جریان انقلابی تجدید تربیت نشود و از موقعیت طبقاتی خویش گسست نکند، نمی تواند به یک شخصیت جمعی مبدل شود و تا آخر انفرادمنش باقی خواهد ماند. جنبش دانشجویی زمانی می تواند برای یک جامعه مفید واقع شود، که از سوی یک جریان انقلابی و دموکراتیک رهبری و سازماندهی گردد.

یاد جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور را گرامی میداریم

آتشی را که فروزان شده خاموش مکن
دوستان را مبر از یاد و فراموش مکن

گور خونین شهیدان به تو آواز دهد
ما به امید وفای تو گذشتیم زجان

نماید. در عوض، «کمیته» محدودیت کاروپیکار خود را رفع کرده و مضمون فعالیت های خود را از برگزاری صرف روز یادبود جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور به یادبود و معرفی یکایک جانباختگان جنبش، بخصوص چهره های برجسته آن، نیز انکشاف داده و نام خود را به «کمیته یادبود جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان» تغییر داده است.

«کمیته برگزاری ۷ قوس» موفق شد معامله گری های کسانی که تلاش داشتند قرابت های خانوادگی و طایفه یی شان با جانباختگان جنبش و مشخصاً رفیق زنده یاد اکرم یاری را وجه المصلحه تسلیم طلبی های شان در قبال اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده بسازند، در خدمت به مقاومت و مبارزه علیه اشغالگران و رژیم پوشالی تا حد زیادی خنثی نماید. «کمیته یادبود جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان» مصمم است که به کوشش های خود تا خنثی کردن کامل این حرکت تحقیر آمیز در قبال جانباختگان عزیز جنبش ادامه دهد. درین راستا همکاری و همیاری تمامی منسوبین برحال جنبش با «کمیته» به شدت مورد نیاز است.

«کمیته یادبود جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان» وظیفه خود می داند که در گام های بعدی مبارزاتی اش به معرفی یکایک چهره های جانباخته برجسته جنبش در خدمت به احیای وسیع جنبش دموکراتیک نوین کشور آغاز نماید و طبق توان جوانب مثبت و منفی ایدیولوژیک- سیاسی و تشکیلاتی مبارزات این جانباختگان را روشن سازد. درین راستا نیز همکاری و همیاری عمومی تمامی منسوبین برحال جنبش، بخصوص سابقه داران آن، با «کمیته» ضروری است.

رفقا و دوستان عزیز! بیایید تا درین روز یادبود از جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور و در پیشاپیش آن ها رفیق زنده یاد استاد اکرم یاری، یاد آن قهرمان را زنده سازیم و با درس آموزی از فداکاری های جانباخته آنها، در مسیر مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران امپریالیست و دست نشاندهگان شان و همچنان اشغالگران داعشی به عنوان دشمنان عمده کشور و مردمان کشور و تلاش برای برپایی مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه آن ها و در کل در راه مبارزه بخاطر پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور، اصولی، منظم و ایثارگرانه به پیش رویم.

کمیته یادبود جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان

۷ قوس ۱۳۹۴ (۲۸ نوامبر ۲۰۱۵)

۷ قوس امسال مصادف است با سی و ششمین سالروز جانباختن رفیق زنده یاد استاد اکرم یاری به دست جلادان مزدور سوسیال امپریالیزم شوروی در ۷ قوس ۱۳۵۸. «کمیته برگزاری ۷ قوس»، نظر به نقش پیشگام ایدیولوژیک- سیاسی و تشکیلاتی رفیق اکرم یاری در شکلدهی جنبش دموکراتیک نوین کشور و رهبری مبارزات آن در دهه چهل خورشیدی، در ۷ قوس سال ۱۳۹۲ خورشیدی روز جانباختن این رفیق زنده یاد را روز یادبود از تمامی جانباختگان زنده یاد جنبش دموکراتیک نوین کشور اعلام داشت و در همان روز و همچنان در ۷ قوس سال ۱۳۹۳ طی چند گردهمایی در نقاط مختلف کشور روز یادبود آن رفقا را برگزار نمود

با سرفرازی باید اعلام نمود که نیروهای برحال دموکراتیک نوین کشور در ۱۳ میزان امسال گام کیفی مهم دیگری در معرفی این جنبش و بسیج خودشان به پیش برداشتند و با برگزاری چهار گردهمایی در نقاط مختلف کشور، یک گردهمایی در آن سوی خط دیورند، دو گردهمایی در اروپا و یک گردهمایی در کانادا، از پنجاهمین سالگرد بنیادگذاری جنبش دموکراتیک نوین افغانستان تجلیل به عمل آوردند. جرتنمندان باید بیان داشت که برداشته شدن این گام پیشروانه مبارزاتی مهم می تواند- و باید- به عنوان اولین سنگ تهداب احیای وسیع جریان دموکراتیک نوین افغانستان تلقی گردد و با گام های مبارزاتی دیگری تعقیب شود.

مشمولین «کمیته برگزاری ۷ قوس» افتخار دارند که با شمولیت در «کمیته برگزاری پنجاهمین سالیاد بنیادگذاری جنبش دموکراتیک نوین افغانستان»، به عنوان بخش مهمی از آن کمیته، نقش برجسته ای در برداشته شدن گام مبارزاتی ارزنده در ۱۳ میزان امسال بازی کرده اند. در عین حال باید خاطر نشان ساخت که کاروپیکار اسبق «کمیته برگزاری ۷ قوس» در برگزاری محافل یادبود از جانباختگان جریان دموکراتیک نوین افغانستان در ۷ قوس سال ۱۳۹۲ و ۷ قوس سال ۱۳۹۳ خورشیدی، مقدمه چینی های مهمی برای استوار کردن اولین سنگ تهداب احیای وسیع جریان دموکراتیک نوین کشور در ۱۳ میزان امسال محسوب می گردد.

علیرغم این مسایل، «کمیته» همچنان به موجودیت مستقل خود و برگزاری روز یادبود از جانباختن رفیق زنده یاد استاد اکرم یاری به عنوان روز یادبود تمامی جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور ادامه می دهد. اما نظر به محدودیت های معینی که دامنگیرش هست در شرایط فعلی و سر از همین سال در داخل کشور از برگزاری محافل یادبود در ۷ قوس صرفنظر کرده و به انتشار اعلامیه یادبود درین روز اکتفا می

په میدان وردگو ولایت کې د لاس پوڅې اردو جنایت په کلکوټکو غندو

جاوید - ۱۳۹۴/۹/۱۵

په ارگ کې د امریکا جاسوس او د جان کیری گمارلی مامور تر دې دمه د دغه جنایت په اړه چوپه خوله پاتې دی، مزدورې رسنې، درباري ملایانو او د مدني ټولونو په نوم د غربي ښکیلاک جاسوسۍ شبکو استازې هم په دې اړه ترڅو کوم غبرگون نه دی ښودلی.

گرانو هیوادوالو او د وردگو ولایت پتمنو پرگنو!

د لاس پوڅې رژیم تش په نوم کمیسیون او یا هم د غلامې ادارې مزدورې جرگې غړو په دروغجنو وعدو ونه غولیرئ، په تیرو څوارلس کلونو کې له هیڅ بهرنی او کورني قاتل څخه د افغانستان د عام وگړو د وینو پوښتنه چا نه ده کړې ځکه چې دغه رژیم بلواکه او لاس پوڅی دی همدا رنگه پام مو وي چې د دریم شاه شجاع او د هغه مطبوعاتي مزدور ټیم مو وه نه غولوي دوی هم څوارلس کاله د امریکایي ښکیلاک د لاس آله وه او په افغانستان کې بې شمیره جنایات ترسره کړي دي.

د افغانستان زیارکښو پرگنو!

د میدان وردگو ولایت غمیزه نه لومړنۍ پېښه ده او نه به هم ورستنۍ وي، ترڅو چې یو موټی نشو او د یو انقلابي غورځنگ تر بیرق لاندې راغونډ نشو او د نیواک گر پوڅ او لاس پوڅي رژیم په وارنډې مبارزه ونکړو دغسې ناورینونه به دوام ولري.

تیره ورځ د لاس پوڅي رژیم گوداګي پوڅ د میدان وردگو ولایت د سیدآباد ولسوالۍ په یوه کلي کې نه ښوونکی جنایت ترسره کړ، مزدورې اردو د تل په څیر اولسي وگړي په ښه کړل چې په ترڅ کې دولس تنه ووژل شول او شپږ تنه ژور ټپیان شول.

ویل کیږي چې دغه اولسي وگړي د لاس پوڅې اردو د هاوان په مرمۍ شهیدان شوي دي، قومي مشر محمد نعیم رسنیو ته وویل چې تیره اونۍ هم حکومتي ځواکونو یومنځنی ښوونځی د هاوان توغندی وویشت چې په پایله کې اته تنه زده کوونکي پکې شهیدان شول، همدارنگه ښاغلي نعیم وویل چې د نوموړي کورهم تیره میاشت د اردو لخوا په راکټ وویشتل شو چې په نتیجه کې درې تنه پکې ووژل شول.

له بلې خوا ځایي اوسیدونکي (ذبیح الله نوري او ضیالدين کمال) وايي که چیرې د دوی د شهیدانو قاتلین ته سزا ورنکړل شي، دوی به وسلوال پاڅون وکړي، په همدې حال کې د لاس پوڅي رژیم پوڅالي پارلمان غړو هم د افغان پرگنو په سترگو کې د خاور اچولو لپاره یاده پېښه غندلې او د لاس پوڅي پارلمان دویم مرستیال (نذیراحمدزی) د کورنۍ امنیت چارو کمیسیون ته دنده سپارلې چې پېښه وڅیړي او جرگې ته راپور وکړي.

په تیرو څوارلسو کلونو کې لاس پوڅې اردو د خپلو بادارانو په څیر د افغانستان په زرگونو زیارکښو پرگنو وژلي او ټپیان کړي دي، تیره میاشت د لاس پوڅې اردو عسکرو په زابل ولایت کې یوه بې گناه شپوونکی په رڼا ورځ په گوليو سوری، سوری کړ او د خپل ددغه جنایت ویدو هم خپره کړه.

"بحران مهاجرت"

مليار



بحث "بحران مهاجرت" از چندین وقت به این سو است که سرخط اخبار جهان را میسازد. کلیه مطبوعات جهانی به بحث های مفصل در مورد "بحران مهاجرت" و وضعیت اسفناک پناجویان پرداخته است. بیشتر بحث ها در مورد وضعیت تعداد قلیل از مهاجرین که خواهان ورود به اروپا می باشند بوده است. گفته میشود که از آغاز سال ۲۰۱۵ میلادی تا حالا حدود بیشتر از ۳۰۰۰ پناه جوی که خواهان ورود به اروپا بوده اند جان های شان را از دست داده اند، که تعداد زیادی از آنها را کودکان تشکیل میدهند. اکثریت این پناه جویان را اورگان افغانستانی، سوری و عراقی تشکیل میدهند. مطابق تخمین سازمان ملل در حال حاضر بشریت بزرگترین موج از مهاجرت تاریخش را تجربه میکند. در سراسر جهان از هر ۱۲۲ نفر یک نفر آن را مهاجر،

پناهجو و یا بی جاشدگان داخلی تشکیل میدهد، که بیشتر از ۵۱٪ آنان نیز اطفال زیر سن ۱۸ می باشند.

اما تعدادی اندکی از این مهاجرین با حراج همه دار و ندار زندگی شان پول هنگفت قاچاق را بدست می آورند و زندگی شان را با خطر مواجه میکنند و خود را به دریا می اندازند و یا هم از راه های زمینی می خواهند وارد اروپا گردند.

گفته میشود امسال ۱۵۰۰۰۰ پناهنده از صربستان وارد هنگری شده اند که می خواهند وارد منطقه شینگین ۲۶ کشور اروپائی که بین هم پاسپورت کار ندارند شوند و در این مدت ۱۶۰۰۰۰ وارد یونان شده اند و ۱۰۰۰۰۰ هم از راه آب، خود را به ایتالیا رسانده اند. سوریه و عراق که مرکز این بحران گفته می شود، بیشتر از چهار میلیون آواره دارند که در حالت خیلی اسفناک در کمپ های مهاجرین در ترکیه و اردن بسر میبرند.

دولت های اروپائی نیز این پناه جویان را با پولیس ضد شورش، چماق، گاز اشک آور، سیم خاردار، و آتش تفنگ میخواهند از دروازه های اروپا دور نگهدارند. حکام اروپائی و مطبوعات امپریالیستی این پناه جویان مظلوم و بی دفاع را "خطر بزرگ حیاتی" برای اروپا نام میدهند و بطور مداوم مستقیم و یا غیر مستقیم بر طبل تبلیغات ضد مهاجرین می کوبند. گروه های نژادپرست دست راستی و فاشیستی بر پناه جویان حمله می کنند. تنها امسال در آلمان ۱۵۰ حمله بر مهاجرین گزارش شده است. راسیزم ضد مسلمانان و اسلام ستیزی بطور خاص دامن زده میشود. کشور سلواکیا که چندی قبل بنا بود ۲۰۰۰ پناه جوی سوری را تحت یک برنامه جابجایی پناه جویان در اروپا در خود جای دهد گفته است: فقط برای مسیحیان حاضر است جای دهد. اخیراً معاون صدر اعظم چک این موج از پناه جویان را بعنوان "بزرگترین خطر برای اروپا" عنوان کرد و خواهان مداخله ناتو علیه آنان شد.

حکام، سیاستمداران و مطبوعات اروپائی همواره از بحث در مورد پناه جویان به دیگر هراسی و راسیزم میپردازند. مانندی که نظام سرمایه داری و امپریالیستی برای بقا و گسترش اش همواره به گرایشات نژاد پرستانه دامن زده است. حفظ نابرابری و جنایت سرمایه داری بدون ایدیولوژی راسیزم و دیگر هراسی ممکن نمی باشد.

در مطبوعات بورژوازی و امپریالیستی در مورد عوامل اصلی

"بحران مهاجرت" بحث نمیشود. بحران فعلی مهاجرت و امواج عظیم از جابجائی انسانها دو علت اصلی دارد. اولاً جنگ های امپریالیستی و ارتجاعی که برای حفظ و گسترش سلطه جهانی امپریالیزم امریکا و تلاش برای ایجاد "نظم نوین جهانی" که از اوایل دهه نود قرن گذشته براه افتاده است باعث تخریب جوامع و بی خانمانی میلیون ها انسان شده است. دلیل دوم بی خانمانی، مهاجرت، و آوارگی گسترش روند جهانی شدن مناسبات سرمایه داری است که باعث تخریب اقتصاد جوامع و گسترش فقر بی سابقه شده است.

یکی از پالیسی های امپریالیزم تحمیل جنگ های خانمان سوز و ایجاد رعب و وحشت از طریق گروه های وحشت افکن در جهان و بخصوص کشور های تحت سلطه می باشد. ایجاد چنین فضایی زمینه ساز فرار مردم از سرزمین آبیی شان می باشد.

از یکطرف آواره شدن مردم و روی آوردن مهاجرین به کشورهای امپریالیستی زمینه ساز استثمار چند برابرشان در این کشورها می گردد و امپریالیست ها می توانند از این طریق سود های کلانی به جیب زنند و از طرف دیگر فرار نسل جوان تا حدودی می تواند از مقاومت ملی مردمی و انقلابی بکاهد. مهاجرت نسل جوان نیز به نفع اشغالگران و رژیم های گوش بفرمان شان تمام می شود و میتواند عمرشان را چند سالی طولانی تر سازد، و هم چنین امپریالیست ها بهتر می توانند، استفاده کنند.

پیام ما به جوانان کشور این است که در کشورشان بمانند و با دیگر نیروها انقلابی، ملی و دموکرات کشور، متحدانه علیه اشغالگران و رژیم پوشالی به مبارزه برخیزند و تا بیرون راندن آنها از کشور و سرنگونی رژیم دست نشانده شان به پیش روند. در غیر این صورت ستم و استثمار پایدار خواهد ماند و توده های ستمدیده از بردگی نجات نخواهند یافت.

نظام سرمایه داری امپریالیستی جز جنگ، بحران، فقر، راسیزم، آوارگی، فلاکت چیزی برای بشریت در چانته ندارد. تمام جهان را بحران فرا گرفته است. در کشورهای امپریالیستی غربی نیز فقر، بی کاری و همراه با آن راسیزم و استبداد گسترش یافته است. تنها راه بیرون رفت و خاتمه دادن به بحران جهانی مبارزات کارگران و خلق های جهان علیه نیمه فیودالیزم، سرمایه داری و امپریالیزم میباشد. تا زمانیکه این سلطه در جهان برانداخته نشود این مصیبت همچنان پا برجا خواهد ماند.

دگوداگی اردو یوبل جنایت

د افغانستان اوسنی وسله وال پوځ چې د غربي ښکیلاک له خوا روزل شوی دی، یو گوداگی او لاس پوځی پوځ دی دغه پوځ د افغان اولس د وسلوال مقاومت د څپلو لپاره رامنځ ته شوی دی، او په حقیقت کی د کرایي قاتلانو حیثیت لري، دا گوداگی پوځ چې د آمریکا نیواک گر پوځ لخوا په مستقیمه توگه تمویلیري د ښکیلاک د موخو لپاره کارکوي.

جاوید

وسله وال پوځ اوملي اردو دهر هیواد دملي حاکمیت، ځمکنی، بشپړتیا او استقلال ساتونکي دي، خوکه دغه پوځ د نورو په لاس روزل شوی وي او د پردیو د مخو لپاره منځ ته راغلی وي هغه وخت نوموړی ملي بنسټ د پردیو د گټو لپاره کار کوي او د خپل ولس او پرگنوپر وړاندې دریري.

قوس ۱۳۹۴ (دسامبر ۲۰۱۵)

د افغانستان لاس پوځی او نا ملي اردو له تاسیس روځې راخیستی تراوسه پورې ډیر جنایتونه ترسره کړي دي چی مونږ کله نا کله د دی جنایاتو نه پرده پورته کړی.

دلاس پوځی اردو ترټولو تازه جنایت چی د زابل په ولایت کی ترسره شوی دی، دومره وحشیانه اوزره بورنونکی دی چی تاریخ به هیڅکله هیر نکړي، د گوداکی پوځ سرتیرو د زابل ولایت په یوه دښته کی یوبی گناه او بی وسه شپونکی د پیکا (PK) په واسطه په وژنی . دلاس پوځی اردو وحشی او اجیر سرتیري په شپونکی تور پورې کوي چی دی د وسلوالو طالبانو غړي دی، شپونکی په وار، وار سره دوی ته وایي چی زه شپونکی یم د تپې هغې غاړې ته می رمه څیري اوکه ستاسو زما په خبره باور نه کوی نو له ما سره راځی چی خپله رمه درته وبسیم، خو گوداکیان د نوموړی شپونکی خبره نه اوري او د کامرې په مخ کی د پیکا په مرمیو سوری، سوری کوی او د خپل د جنایت ویدیود انټرنټ په صفحه نشروي.

د نوموړي ویدو له نشر ورسته د دغه ستر جنایت راپور یواځې او یواځې د الاماره او نن ټکی آسیا وپیپانو له لاری خپریری اوبس، په افغانستان دا مهال ۴۰ ټلويزيونونه، ۱۶۰ راډیوگانې، ۷۰۰ چاپی

جریدی او کابو په زرگونو وپیپانې خپرونې لري خو د دغه جنایت راپور هیڅ چا ورنکړ اوتول پرې چوپه خوله پاتې شول، او داځکه چی پورتنی رسنۍ ټولې د امریکا لخوا ټویلې او دوی نشي کولای چی د امریکا په لاس روزل شوی پوځ جنایت برسیره او ډاگیزه کړي.

له بلی خوا د مدنی ټولنو په نوم چی کوم لاس پوځی نهادنو جوړشوي دي هم په دی هکله هیڅ ونه ویل، یو ځل هم د نوموړی شپونکی لپاره یو تشه اعلامیه خپره نکړه، ځکه چی دا مدنی دلانان چی په حقیقت کی د سپینې ماڼۍ او یرغلگروځواکونه ویاندویان دي، هغه څه وایي چی غربي امپریالستان یی غواړي.

”د افغانستان د ځوانانو انقلابي غورځنگ“ د لاس پوځی اردو دا او نورجنایتونه په کلکه غندي او خپل بی وزلی شپونکی په غم کی ځان شریک بولي، او یو ځل بیا د افغانستان په پرگنو غږ کوي چی دیو ملی ولسي اوانقلابي مقاومت لپاره ځان تیارکړي، تر څو افغانستان دیرغلگر ځواکونو له نیواک اوبشکیلاک څخه خلاص کړی، او د لاس پوځی رژیم پر ځای د یو ملي او نوې دمکراتیک حکومت لپاره زمینه برابره کړي.

تظاهرات ۲۰ عقرب، تب لرزه مرگ رژیم پوشالی!

(گسترده ترین تظاهرات چند دهه اخیر)



مرکز ولایت زابل و از آنجا به دستور مقامات رژیم پوشالی به شهر غزنی انتقال یافتند. اما مردم معترض غزنی به جای دفن و تسلیم گرفتن جنازه هایشان، تصمیم گرفتند تا جهت دادخواهی وضعیت موجود همراه با جنازه هایشان به دروازه

وسیع ترین تظاهرات بی سابقه در طی چند دهه اخیر افغانستان، تظاهرات ۲۰ عقرب ۱۳۹۴ میباشد که مظاهره کنندگان از دشت برچی کابل تا چهارراهی پشتونستان که مقابل ارگ ریاست جمهوری مستقر است راه پیمائی نموده و جنازه های عزیزان شان را که توسط گروه "داعش" مستقر در ولسوالی خاک افغان ولایت زابل گردن زده شده بودند بر شانه هایشان حمل نموده و شعار "مرگ بر ارگ، مرگ بر امریکا" را سر میدادند.

دلیل اصلی این تظاهرات بی سابقه این بود که وکلای نام نهاد پارلمان رژیم پوشالی به اهالی ولسوالی جاغوری ولایت غزنی وعده داده بودند که گروگان هایشان را توسط یک گروپ حربکی تازه شکل گرفته از چنگ ربایندگان آزاد خواهند کرد تا این نوع گروگان گیری ها باعث حاد شدن مسائل قومی نگردد. اما متأسفانه چند روز پس از چنین وعده ها بود که "داعشیان" مستقر در ولسوالی خاک افغان ولایت زابل به جای هشت نفر گروگان ۷ گروگان سربریده را تحویل میدهند. شکریه دختری ۹ ساله همراه دو زن و چهارمرد از جمله این قربانیان بودند که جنازه هایشان توسط ریش سفیدان محل به شهر قلات

چند آخوند و ملای متنفذ محلی پس از انتقال زخمی شدگان این مظاهره، به عنوان نمایندگان این تظاهرات به داخل ارگ راه یافتند و سپس این ملاکین و نمایندگان طبقات حاکم برای امتیاز گیری بیشتر از چنین تظاهراتی به سود خود استفاده نمودند و خواسته های شان را در مورد ارتقاء جاغوری به ولایت، آسفالت سرک جاغوری - غزنی، تشکیل قل اردو در هزاره جات، تامین " امنیت " مسیر راه جاغوری، سرکوب " تروریست ها " و غیره، مطرح نمودند که بعضی از این خواسته ها از طرف سران رژیم پذیرفته شد و مذاکره میان رژیم و سران مرتجع محلی به خوشی پایان یافت.

فردای آنروز یعنی صبح ۲۱ عقرب ۱۳۹۴، جنازه های معترضین توسط هلیکوپترهای رژیم به جاغوری انتقال داده شد و جمعیت عظیمی از مردم محل به استقبال شان آمدند و جنازه ها را پس از ادای نماز جنازه دفن نمودند.

متأسفانه ضعف مفرط جنبش انقلابی کشور باعث میگردد تا هر باری که جنبش اعتراضی توده ئی خودجوش و وسیع به راه می افتد در نهایت امر سرکوب گردیده و اعتراضات شان قربانی توطئه های دشمنان رنگارنگ مردم افغانستان میگردد. یکی از وظایف عاجل و اضطراری مبارزاتی ما در شرایط کنونی جامعه رفع چنین ضعف هائی است و باید شدیداً بکوشیم که قطب انقلاب را در مسیر مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان و اشغالگران مرتجع داعشی بیشتر از قبل و از هر طریق اصولی و ممکن به پرورانیم.

های ارگ ریاست جمهوری بروند، همین بود که جمعیت معترض جنازه ها را از شهر غزنی به کابل انتقال داده و سپس از دشت برچی به سمت کاخ ریاست جمهوری راه پیمائی نمودند. زمانیکه مظاهره کنندگان به کاخ ریاست جمهوری نزدیک شدند جمعیتی در حدود بیش از سی هزار نفر را تشکیل دادند.

راهپیمائی به صورت مسالمت آمیز به پیش رفت و ساعت ها آرام باقی ماندند و کسانیکه در آنجا ظاهراً در راس تظاهرات قرار داشتند مردم را پیوسته به آرامش و همکاری با قوای امنیتی رژیم فرا میخواندند اما پس از ساعت ها انتظار وقتی کسی از ارگ نشینان به شمول سران مرتجع و میهن فروش هزاره همانند محمد محقق به سراغ تظاهرکنندگان نیامدند تا خود را در غم شان شریک بدانند خشم به ندرت بالا گرفت و شعارها قهر آمیز شد تا سرحدی که شعار " مرگ بر ارگ - مرگ بر امریکا "، بالا گرفت و جوانان معترض خود را به دروازه ارگ رساندند و از دیوار ارگ بالا رفتند و دروازه ارگ قسمت ورودی اداره امور را باز کردند تا جمعیت بیشتری به محوطه داخل گردد که درین لحظه سربازان محافظ ارگ به فیرهای زمینی و هوائی مبادرت ورزیدند که در نتیجه ۷ نفر از آنها به شمول دو دختر جوان زخمی شدند که بعداً به شفاخانه انتقال داده شدند.

به این ترتیب رژیم پوشالی به جای اینکه از مظاهره کنندگان دلجوئی کند هفت تن دیگر را به جمع ۷ گروگان سربریده شده اضافه نمود و ماهیت پوشالی بودن و اجیر بودنش را برای مظاهره کنندگان به اثبات رساند و برای معترضین نشان داد که هیچ فرقی با " داعش " ندارد و هر دو دشمنان سوگند خورده مردم افغانستان هستند.

د س ب ا ف ک ر

جاوید - ۱۷/۸/۱۳۹۴

- اکثره په اصطلاح مدني ټولنې مليتي او ژبني جوړښت لري، يعنې هرمليت او توکم ځان ته خپلې مدني ټولنې لري او په افغانستان کې هيڅ مدني خوږښت او بنسټ نشته چې ملي رنگ ولري.
- مدني ټولنې له لاس پوڅو گوندونو او د رژيم له مزدور چارواکو سره نږدې اړيکې لري يعنې ناپيلي نه دي.
- مدني ټولنې هغه بنسټونه دي چې د اولس ريښتینو غوښتنو او غږ مخه نيسي.
- د مدني ټولنو ډيرې غړي په مالي، سياسي او اخلاقي فسادونو ککړدي.
- مدني ټولنې ډيرې وخت ژبني، مذهبي او مليتي ستونزو ته لمن وهي.
- مدني ټولنې د يرغلگرو ځواکونو ظلمونه او وحشي کړنې نه يوازې نه غندي بلکې پرده پرې اچوي.

د امريکا او د هغوی د متحدينو پر افغانستان يرغل او شکیلاک د پيل راهيسې، په افغانستان کې ځينې استخباراتي او گوداگي ټولنې منځ ته راغلي دي، چې د مدني ټولنو او مدني خوږښتونو په نوم هم ياديږي. ظاهراً دا ټولنې ځان د دولت (لاس پوڅي رژيم) او اولس ترمنځ پول گني او ادعا لري چې د پرگنو غږ دولت (بلواکه رژيم) ته رسوي او دسولې او ټولنيز عدالت لپاره کار کوي.

خو په حقيقت کې دا ټولنې د استخباراتي کړيو لخوا منځ ته راغلي اوپټ استخباراتي موخې پلې کوي، دا ټولنې نه يوازې چې د اولس غږ د چارواکو غوږونو ته نه رسوي بلکې د اولس د حقيقي غږ د خاموشی او منحرفولو لپاره کارکوي.

په افغانستان کې اوس مهال په سلگونو په اصطلاح مدني ټولنې وجود لري، لکه څنگه مو چې په لومړي سرکې وويل چې مدني ټولنې په اصل کې استخباراتي موخې لري او د يرغلگرو هيوادونو د جاسوسي ادارو لپاره کارکوي، د مدني ټولنې بې شمېره منفي ځانگړنې لري چې يوڅو ځانگړتياو ته يې اشاره کوو.

د سبا فکر په نامه يوه مدني ټولنه تازه جوړه شوې ده، که څه هم نوموړې ټولنه په کابل کې د افغان پوهنتون استادانو او ځينې طالب پلوه ليکوالانو لکه نظر محمد مطمین، داد محمد ناوک، محمد ثاقب لخوا پرمخ بيول کيږي، خو د دغه ټولنې تر شا د ځينو تسليم شوي طالب چارواکي (وکيل احمد متوکل او ملا عبدالسلام ضعيف) لاس لري.

(په اوسني وضعیت کې افغان جهتونو ته څه کول په کار دي)

دا دهغه سيمينار موضوع ده چې د سبا فکر مدني ټولنې لخوا د کابل په ښار کې د افغان پوهنتون د سيمينارنو په تالار کې جوړ شوی وه، په دې غونډه کې وکيل احمد متوکل (د طالبانو د بهرنیو چارو پخوانی وزير) او انورالحق احدي (د دريم شاه شجاع په لاس پوځي رژيم کې د ماليې او اقتصاد وزير) د وينا والو په توگه را بلل شوي ول.

د انور الحق احدي د وينا غټ ټکي :

- سوله دو ډوله ده (نظامي سوله او سياسي سوله)

- نظامي سوله: هغه سوله ده چې يو لوری په بل لوري بری مومي او پخپله خوښه حکومت جوړوي، او مخالف لوري ته دومره اهميت نه ورکوي.

- سياسي سوله: هغه سوله ده چې يو طرف هم نظامي بری (فتحه) نشي کولی. دې وخت کې بيا سياسي حل ته اړتيا ده. چې دغسې سولې ته سياسي سوله ويل کيږي.

- د روسانو په ضد جگړه د غرور جگړه وه، زه هغه وخت په امريکا کې ښوونکی ووم، د يوې ښځې به ميره مړ وه او د يوې مور به زوی شهيد شوی وه خو بيا هم دوی يو غرور درلود.

- په اوسنۍ جگړه کې غرور نشته دا دې ذلت او سوال جگړه ده.

- تاسي وگورئ په اسلام کې اول د خلافت موضوع مطرح وه او خليفه کيدو لپاره ډير شرايط موجود وول او خليفه ډير مسوليتونه درلودل، خو د وخت په تيريدو سره د خليفه مسوليتونه هم کم شول که تاسی د امام غزالي نظريات وگورئ هغه وايي چې که خليفه يوازې شريعت تطبيق کړي همدا بس دی.

- هابز وايي که دولت نه وي ملت هم نشته دی، بنا د دولت بقا مهمه مسله ده.

- چې سوله نه وي نه مدنيت شته اونه اقتصاد او معارف پرمخ تللی شي.

- زمونږ گاونډيان مونږ ته ښه نيت نلري.

- زما نظر خو دا دی چې سوله د مخامخ وشي او ژر دې وشي، ځينې په دې اند دي چې لومړی بايد اعتماد جوړونه وشي او يا هم په تدريجي توگه سوله راشي، لومړنۍ طرحه د شرين طاهر خيل لخوا د هند او پاکستان د سولې په هکله وړاندې شوې وه او دويمه طرحه د هنري کيسنجر لخوا د فلسطين او اسرائيل په هکله وړاندې شوې وه. چې دواړو طرحو هيڅ نتيجه ورنکړه.

- کله چې په قطر کې د طالبانو له استازو سره ما وليدل، دوی دوه ډوله غوښتنې لومړی هغه غوښتنې چې د افغانستان دولت نشي پوره کولی، او دويم هغه ډول غوښتنې چې دولت يې د هغو د پوره کولو وس لري لکه په اساسي قانون کې بدلون او د حکومت ډول.

- طالبان وايي چې امريکايان دې له قيد او شرط پرته ووځي، امريکايانو په خپله هم ويلي چې په ۲۰۱۶ کال کې ووځي، زما نظر دا دی چې امريکايان بايد په مسالمت آميزه توگه له افغانستان څخه ووځي، زمونږ دولت يو غريب دولت دی که امريکايان وباسو بيا به خپلو عسکرو او ملکي مامورينو معاش له امريکا څخه په کومه خوله غواړو.

- زمونږ داخلي امکانات محدود دي، د طبيعي زيرمو په اړه زمونږ اټکلونه مبالغه آميز دي، زمونږ له خپلو کانونو څخه د کالې ۳۴۰ ميليونه ډالر لاسته راوړلی شو چې دا پيسې ډيرې کمې دي.

- که سوله رانشي گاونډيان به زمونږ هيواد ټوټه، ټوټه کړي.

- بايد د دولت او طالبانو ترمنځ د اعتماد فضا رامنځ ته شي ځکه باور جوړونه د سولې بنسټيز ټکي دي.

- د سولې په اړه د دواړو لورو لخوا نا روښانه او د نه منلو شرايط، بايد دريځ روښانه او شرايط نرم وي.

- سوله هغه مهال راتللی شي چې د انصاف او عدالت په بنسټ ولاړه وي.

- د سولې لپاره بايد اراده موجوده وي، له ۲۰۰۳ څخه تر ۲۰۰۶ پورې دولت اراده نه درلوده چې له طالبانو سره د سولې خبرې وکړي، له ۲۰۰۹ کال څخه تر ۲۰۱۲ کال پورې بيا طالبانو له دولت سره د خبرو ليوالتيا نه درلوده او ويل يې چې دوی له امريکا سره خبرې کوي.

د وکيل احمد متوکل د خبرو غټ ټکی:

پخواني ولس مشر به کله، کله د سولې د پروسې په هکله به ارگ ته غوښتلو، که څه هم مونږ پوهيدو چې د سولې لپاره اراده نشته خو خپل نظريات به مو ورسره شريکول، يوځل د ټاکنو په دوران کې مې له ډاکتر صاحب اشرف غني سره وليدل، ډاکتر صاحب راڅخه د سولې په

احدي ورته وويلې، چې زه درې مياشتې رخصتي لرم په هماغه وخت کې د گوند رهبري کوم.

کله چې دروسانو يرغلگرو ځواکونه په افغانستان کې ماته وخوړله او د روسانو وروستي گوداګي نجيب (د افغانانو ستر قاتل) رژيم له حتمي سقوط سره لاس او گريوان وه د خپل بادار په امر په غرب کې ميشت امريکايي پلوه سياست وال يې کابل ته راوغوښتل ترڅو د خپل رژيم د بقا او جهادي تنظيمونو سره د جوړجاړې لپاره په يوه طرحه کار وکړي.

له غرب څخه راغلی هيئت کې احدي هم شامل وو، احدي د روسانو گوداګي او د افغانانو جلا نجيب ته ويلي ول چې که شونې وي په دريمو مکرويانونه کې يو اپارتمان راته راکړه، نجيب ورته ويلي ول چې ډاکتر صاحب يو اپارتمان څه چې ټول بلاک به دي په نوم کړم، کله چې احدي له مجلس څخه وتلی وه، نجيب خپلو جنايت کاره ساتونکو ته په تحقيره آميزه لهجه ويلي ول، دا بی وجدانه مو وليده ما داروستې چې د افغانستان د راتلونکي لپاره يوه طرحه جوړه کړی او دا بی ضميره يوازی او يوازی د ځان په فکر کې دي.

کله چې په کابل کې طالبان واکمن ول، احدي په امريکا کې د طالبانو او امريکا ترمنځ په دلالي بوخت و کله چې امريکا اوغربي ښکيلاک گرو په افغانستان باندې يرغل وکړ احدي او د هغه گوند هم د امريکا د چوپړتيا او مزدوري لپاره راودانگل، احدي د دريم شاه شجاع په رژيم کې د امريکا د يرغليزو موخو د پوره کيدو لپاره بيلابيلی دندي (دافغانستان بانک له رياسته نيولی تر ماليی وزارت او د تجارت وزارت په پوري) تر سره کړی.

په نړۍ کې جکره دو ډوله دی يرغليزه جکره او دفاعی جکره، دفاعی جکره په خپل وار سره په څو ډولونو د ويشلو وړ ده.

- ملی جکره
- انقلابی جکره
- مذهبی جکره (جهاد)

د روسی او امريکايي يرغلگرو ځواکونو پر ضد جکره د انقلابی ځواکونو د نشتون له امله مذهبی رنگ خپل کړ، لکه څنگه چې د روسانو په ضد جکره د ملی غرور نه ډکه جکره وه د امريکايي نيواک گرو ځواکونو پرضد جکره هم د ملی غرور نه ډکه او عادلانه جکره ده ځکه چې نوموړی جکره د هيواد د استقلال او آزادی جکره ده دا چې احدي د امريکا ضد جکره د ذلت جکره بولی علت دا دي چې اوسني جکره د هغه د بادار (امريکا) په وړاندې روانه ده.

احدي وايی چې که سوله نه وي نه اقتصاد شته، نه مدنيت شته او نه هم معارف پرمخ تللی شي. احدي په دی اند دی چې امريکايي ښکيلاک گرو د افغانستان د اقتصاد د پرمختگ، د معارف ودي او د مدنيت د راوستلو لپاره راغلي دي خو طالبان امريکايان نه پرېږدی چې پورتنی مسايل پلی شي. دا په داسی حال کې ده چې امريکايي نيواک گر پوځ

اړه پوښتنه وکړه ماورته وويل که په ټاکنو کې بريالی شوی، له يوې دو راهې سره به مخ شې، پېسې له جنگ سره او يا سوله له فقر سره. ده راته وويل چې پېسې مهمې دي، هم امنیتی تړون لاسليک کوم اوهم سولې لپاره کارکوم.

● د افغان حکومت اختيارات محدود دي، د بگرام زندان، گوانتانامو زندان، تور ليست دا هغه څه دي چې د امريکايانو په واک کې دي .

● په دواړو غاړو کې بهرنيان موجود دي.

● په اوسني شرايطو کې د سولې لپاره کوم چوکات نشته.

● بايد په سيمه يزه کچه افغاني اوربند وشي، دواړه غاړې خپل بهرنيانو ته قناعت ورکړي چې دا اوربند مات نکړي.

● بايد مسوله ميديا رامنځ ته شي اوسنی- رسنی- د سولې پرځای د جکرې لپاره کارکوي.

● ځينې په دي اند دي چې د سولې د راتلولپاره بايد لومړی په طالبانو باندې نظامي فشار راوستل شي، د زور استعمال سوله نشي راوستلی.

● د سولې لپاره صالح ميزبان او منځگري ته اړتيا ده.

لکه څنگه مو چې په سر کې وويل چې مدني ټولني د غربي ښکيلاک گرو لخوا منځ ته راغلي بنسټونه دي چې د اشغالگرو د ظالمانه کړو وړو ته بی ځايه توجهات لټوي، د سبا فکر هم يوه مدني ټولنه ده او د امريکا د موخو لپاره کار کوی.

گرانو هيواد والو!

تاسی وگوروی دا ټولنه داسی يو سيمينار جوړوی چې اصلي موخه د اشغال تايد او د مقاومت تسليميدو لپاره زمينه برابرو دي، دوی وايی افغاني جهتونو ته څه په کار دي، دوی دا نه وايی چې د افغانستان د بدبختی ستر عامل بهرنی يرغلگر ځواکونه او د هغوی لاس پوځی رژيم دي، ترڅو چې يرغلگر ځواکونه او د هغو کوداګی رژيم په هيواد کې شتون ولری د افغانستان ناوړين به همداسی دوام ولری.

د احدي سياسی ژوند ته لنډه کتنه

انورالحق احدي د افغان ملت گوند غړی وه او د همدغه گوند له لارې په بيروت کېله امريکايي پوهنتون کې زده کړې وکړې، او وروسته بيا امريکا ته د تدريس لپاره لاړ، کله چې په پاکستان کې د افغان ملت گوند دنوي مشر د ټاکلو لپاره ټاکنې کيدلې، احدي په دغه غونډه کې د افغان ملت گوند د مشر په توگه وټاکل شو.

په نوموړې غونډه کې يو ژورنالست له احدي څخه پوښتنه وکړه چې ته خو په امريکا کې د استادي دنده لرې، د گوند رهبري به څنگه کوې،

جنرالانو په وار، وار سره ویلی دي چې دوی د افغانستان د ابادولو لپاره نه بلکه د القاعده او طالب اروپکو د خپلو لپاره راغلی دي.

احدي د یو ځلي د امریکا د یرغلگریو تاریخ ته یوه لنډه او ځغلنده کتنه وکړی نو دا به ورته جوتنه شي چې امریکایان د خپلې یوې مستعمرې (له ویتنام څخه نیولی ترفیلیپین او کوریا پورې) اقتصاد نده بډایې کړی، دوی هیڅ چیرته معارف پرمخ ندی بېولی او دوی د هیڅ چا لپاره مدینت ندی راوړی برعکس دوی خپلی هری مستعمرې ته وحشت او بربیت وړی دی.

احدي د خپلو خبرو په یوه برخه کې وویل چې زموږ گاونډیان مونږ ته ښه نیت نلري، د احدي موخه د پاکستان او ایران هیوادونه ول، دا سمه خبره ده چې په ارتجاعی او طبقاتی نظامونو کې گاونډیان یوبل ته ښه نظر او نیت نلری او هر هیواد د ځان بقا د نورو په زوال کې گوري، خو آیا پاکستان د امریکا له اجازی او فرمان پرته د افغانستان په چارو کې لاس وهنه کوي که د امریکا په خوښه او مشورې؟ د پاکستان ولت هم د امریکا یو لاس پوځی او گوډاګي دي، کابو څلویښت کاله کیږی چې پاکستان د افغانستان په چارو کې د امریکا په خوښه او غوښتنه مداخله کوي، که امریکا دلته شتون ولری اوکه وی نلری پاکستان به د افغانستان په چارو کې د امریکا په امر او دستور لاس وهنی او مداخلی ته دوام ور وکړي.

احدي دا هیږکړی چې د امریکا نیواک گر پوځ شتون افغانستان ته په منطقوی لحاظ د ښمنان پیدا کړی دی، د افغانستان گاونډیان خصوصاً چین، ایران او روسیه په دی اند دي چې امریکا له افغانستان څخه د دوی ملی امنیت تر خپل گواښ لاندی راولی. او همدا علت دی چې اوسنی افغانستان د سیمی او نړۍ د سترو او متوسطو قدرتونو د سیالی په ډگر باندی بدل شوی دي.

احدي وایی (طالبان باید د خپل دا شرط نه لاس په سر شي چې امریکایان دی له افغانستان څخه بی له قید او شرط څخه ووځی که داسی وشي مونږ به د خپلو عسکرو او مامورینو معاشونه له کومه کړو باید امریکا ته وخت ورکړل شی چې په مسالمت امیزه اوتدریجی توګه له افغانستان څخه ووځی ترڅو له وتلو ورسته زموږ اړیکی ورسره ښی پاتی شی او دوی له مونږ سره مرستی وکړي، امریکایانو هسی هم ویلی دی چې د ۲۰۱۶ په پای کې له افغانستان څخه وځی نو نباید ډیر ټینګار وشی چې امریکایان دی بی له قید او شرط څخه له افغانستان نه ووځي) شاید احدي هیږکړی وی چې هیڅ نیواک گر پوځ له هیڅ مستعمراتی هیواد څخه په خپله خوښه ندی وتلی بلکه د هر هیواد وګړو د خپل سرونو د قربانی کولو په بیع ښکیلاک گر له خپل ټاټوبی څخه په زور ویستلی دی، له بلی خواه احدي د خلکو په سترګو کی خاوری شیندي ځکه دا وایی چې امریکایان په ۲۰۱۶ کال کې له افغانستان څخه په بشپړه توګه ووځی حال دا چې د اشرف غنی په مشرې لاس پوځی رژیم له امریکایی نیواک گر پوځ سره امنیتي تړون لاس لیک کړی چې د نوموړی تړون پرمبنا د امریکا ښکیلاک گر پوځونه لس کاله (همداسی او هر لس کاله او بیا لس لس کاله تمدیدیری او دا بهیر به هغه وخت ماتیری چه د افغانستان خلک او ملتونه د یوی

مدبری او انقلابی رهبری لاندی تجاوزگر او د هغوی لاس پوځی رژیم ړنګ کړی) په افغانستان کې پاتی کیدلی شی او یانکی امپریالیزم دخپلو یرغلګرو ځواکونو لپاره په افغانستان کې کابو شپږ هوایی هدی جوړی کړی دی.

له بلی خوا دسپینی مانی سربانډ (بارک اوباما) تیره میاشت وویل چې امریکایی ځواکونه به د ۲۰۱۷ کال ترپایه پوری به په افغانستان پاتی وی.

کله چې ۲۰۰۱ کال کې افغانستان د امریکا یرغلگر پوځ او دغربی امپریالستی هیوادو لخوا ترښکیلاک لاندی راغلی او د دوی له خوا یوه لاس پوځی اداره او مزدوره اردو پرافغانستان تحمیل شوه، امریکا په لوی لاس افغانستان کې یوه له فساد ډکه اداره رامنځ ته کړه یانکی امپریالیزم ترټولو خاین، بی ضمیره اومفسد چارواکی په مزدوره اداره کې په کار وګومارل دغه مفسدو چارواکو د نظامی اوملکی ادارو بودجه خپلو شخصی بانکی حسابونه ته انتقال کړه، د افغانستان د پوشالی اردو په یوه نظامی قول اردو کې که د میاشتی لس زره لیټره تیل مصرف شی خو د نوموړی قول اردو قومندان په خپل میاشتی راپور کې د قول اردو د تیلو د مصرف کچه شپيته زره لیټره تیل لیکي همدارنګه په ملکی اداره کې هم همدا خبره ده.

دافغانستان لاس پوځی رژیم خپلو ټیټ پوړو مامورینو ته ډبرکمه تنخواه ورکوی، چی د بیلګی په بڼه یوڅو ټونی تاسو وړاندی کوو.

د شپږم بست مامور معاش ۶۲۰۰ افغانی.

د پنځم بست مامور معاش ۸۵۰۰ افغانی.

د څلورم بست مامورمعاش ۹۴۰۰ افغانی.

د سرتیري(عسکر) معاش ۱۲۰۰۰ افغانی.

خو په ملکی او نظامی برخه کې د لوړپوړو مامورینو معاش په سلګونو زره افغانیو ته رسیری، د لاس پوځی اداری وزیران بیا له دو او دری مرجعو څخه لوړ، لوړ ډالری معاشونه ترلاسه کوی، که افغانستان د امریکا له نیواک څخه آزاد شی. نو پدی صورت کی د امریکا امپریالیزم او د هغوی د متحدیونو د ماتې وروسته او لاس پوځی نظام د ملی ولسی او انقلابی رهبری لاندی دولت به نننیا ماشخوره او خاینه اوردو به لمنځه بیایی او د هغی په ځای به انقلابی اوردو جوړوی.

د وکیل احمد متوکل پرنظریاتو نیوکه (نقد)

وکیل احمد متوکل د طالبانو دواکمنی پرمهال د بهرنیو چارو وزیر و کله چې افغانستان د امریکانو ترښکیلاک لاندی راغی نوموړی نیواک گرو سره د مبارزی پرځای لاس پوځی رژیم او اشغالګرو ځواکونو ته تسلیم شو، که څه هم متوکل په تیروکلو کی په لاس پوځی اداری که رسمی دنده نه درلوده خو نوموړی په کابل کی شخصی پوهنتون (افغان پوهنتون) جوړ کړی دی.

دی چی انقلابی جگړه د هیواد د استقلال او آزادی ترڅنګ، څنګ د زیارکښانو د اقتصادي آزادي لپاره هم هلی ځلی کوی، او په همدی لحاظ د ملت له پوره ملاتړ څخه برخه منی وی، ملی جګړی که څه هم یوازی د هیواد د استقلال او آزادی لپاره کارکوی خو د دی لپاره چی دهیواد د ټولو پرګنو او توکمونو ملاتړ ورسره وی د بریالیتوب چانس یی ډیر دی .

خو برعکس د ارتجاعی جګړی د ځینی محدودیتونو له وجی د کامیابی چانس یی ډیر کم وی، دغسی مقاومتونه دوه پایلی لری.

یا مقابل لوری ته تسلیمیری او یا هم په نظامی لحاظ له منځ وړل کیږی، خو متاسفانه د طالبانو جګړه یز ماموریت د دویمی نښانی (گزینی) په لور روان دي، یعنی دوی په خپل لاس په ځان سیاسی انتحار کوی اوله یرغلګرو سره د سولې په نامه په قدرت کی د شریکیدو لپاره په قطر کې خبری پیل کړی وی، د امریکایی یرغلګرو موخه دا وه چی د سولې خبرو په پلمه طالبان په څو برخو وویشی، چی تر ډیره بریده په دغه کار کی بریالی هم ول، له قطر ورسته طالبانو د ناروی هیواد په پاتخت اوسلو، د چین هیواد په اورمچی ښار او د پاکستان هیواد د مری په ښار کې د لاس پوځی رژیم له ځینیو چارواکو سره لیدلی دی.

د مری له ناستی ورسته د ملا عمر د مرګ خبر رسنیز شو چی ورسته طالبانو هم د خپل درهبر مړینه تایید کړه، چی ورسته دوی ملاختر محمد منصور د ملا عمر ځای ناستی وټاکه، خو څنګه چی ولیدل شول د طالبانو تحریک ټول غړو د اختر محمد منصور مشري ونه منله، د طالبانو ځینیو ناراضه چارواکو د طالبانو د عالی شورا په نامه یو نوی تشکیل رامنځ ته کړ چی ملا رسول د دغی شورا مشري په غاړه لري. متاسفانه په تیرو څوکلونو کی طالبان په سیاسی معامله کې دومره وړاندی تلی دی چی بیرته راگرځیدل یی گران ښکاری، که طالبان له هوشیاری کار وانځلی او یرغلګرو ځواکونو سره د سولې په نامه د تسلیمی دغه پروسه ته ادامه ورکړی، بی له شکه دا کار به د دوی لپاره یو سیاسی انتحار وي.

متوکل د افغانستان اوسنی لاس پوځی رژیم یوه ګوډاګی رژیم نه بولی، دی همدا راز امریکایی ځواکونو د یرغلګرو ځواکونو په صفت نه پیژنی، هغه د افغانستان مزدور رژیم مشروع ګنی او یوازی د سولې شورا ترکیب ورته د منلو وړ نده او وایی (په اوسنی حالت کی د سولې لپاره چوکاټ نشته).

متوکل وایی (په سیمه یزه کچه باید اوربند منځ ته راشی او دواړه غاړی باید خپلو بهرنیانو ته قناعت ورکړی چی دا اروبند مات نکړی). آیا دا کارشونی دي، آیا د افغانستان مزدور رژیم دا واک اوصلاحیت لری چی امریکایانو ته وواپی چی اوربند وکړی او آیا امریکایان د لاس پوځی اداری خبره منی؟

ځواب منفی دي، امریکایان دخپلو موخو لپاره د افغانستان څخه بهر (پاکستان، یمن، سوډان، سومالی، مغرب، نایجریا...) هیوادونو کې هوایی او ځمکنی عملیات کوی او هیڅ څوک یی مخه نشی نیولی، کله چی پورتنی نیمه مستعمراتی هیوادونه د امریکا مخه نشی ډپ کولی آیا د افغانستان لاس پوځی رژیم دا واک لری؟ چی هیڅکله هم نلری.

متوکل وایی چی مسئله او بی پری میدیا ته اړتیا شته، د نړی اوسنی ټول نظامونه او حکومتونه طبقاتی صبغه (بنه) لري او په طبقاتی نظامونو او ټولنو کې هیڅ شی (پدیده) بی طرفه نه وی، امپریالستی هیوادونه د نړی په ګوډ، ګوډ کې خپلی لاس پوځی (نړیوالی اومحلی) رسنی لری، په افغانستان کې هم ۴۰ تلویزیونونه، ۱۶۰ راډیوګانی او ۷۰۰ چاپی جریدی، د امریکا او د هغوی متحدینو لخوا جوړی شوی او د امریکایی د هغوی متحدینو یرغل لپاره کار کوی.

عمومی پایله

لکه څنګه مو چی په سرکی وویل چی دفاعی جګړه بیلابیلی بنی لری، په نړی کی انقلابی جګړی اکثره مثبتی پایلی لری او لوی علت دا

ستون پنجم



بترسید که در تمام امور و شئون شما نفوذ دارند و راه ورود چهار ستون را به داخل شهر هموار می کنند.» همینطور هم شد و بالاخره جنرال فرانکو با کمک همین ستون پنجم و خرابکاری آنها توانست پایتخت اسپانیا را که کابوس قحط و گرسنگی بر آن سایه انداخته بود تصرف کند و سلطه جمهوری خواهان را از سراسر خاک اسپانیا براندازد. که بعدا همکاری های استخباراتی - نظامی درون دستگاه یک رژیم با کشور بیگانه در اصطلاحات سیاسی بنام ستون پنجم مسمی گردید.

جاوید/۱۷میزان/۱۳۹۴

دراين روز ها اصطلاح ستون پنجم درگزارش رسانه های مزدور و تحليل های کارشناسان اجیروبی ضمیر رونق یافته است، منظور آنها ازستون پنجم جواسیس مربوط به دستگاه استخباراتی منطقه وبه خصوص جواسیس شبکه جاسوسی (ISI) در داخل ادارات رژیم دست نشانده می باشد. اصطلاح ستون پنجم (درسال های ۳۹ - ۱۹۳۶ میلادی) هنگامی که جنرال مولا از سرکردگان سپاه جنرال فرانکو با ارتش خود به سوی مادرید پایتخت اسپانیا پیشروی می نمود، برای جمهوری خواهان که بر شهر مسلط بودند پیغام فرستاد که: «من با چهار ستون سرباز و تجهیزات خود از (شرق ، غرب ، شمال و جنوب) به سوی مرکز پیش می آیم ولی شما فقط روی این چهار ستون حساب نکنید بلکه ستون دیگری به نام ستون پنجم هم داریم که در مادرید و حتی در میان شما هستند که دانسته یا ندانسته برای ما فعالیت می کنند. اگر از چهار ستون ما هراس ندارید از این ستون پنجم

۱. مفهوم لغوی جاسوسی؛ تجسس و جاسوسی در لغت و عرف به معنای جستجو از درون امورات است.

۲. معنی اصطلاحی جاسوسی؛ جاسوسی عبارت است از تحصیل و تسلیم اطلاعات به دشمن به نحوی که افشاء آن اطلاعات برای امنیت یا مصالح کشور مضر و برای دشمن مفید باشد

انقسام جاسوسی:

انواع جاسوسی قرار ذیل است:

جاسوسی سیاسی.

جاسوسی نظامی.

جاسوسی اقتصادی.

جاسوسی صنعتی و علمی.

جاسوسی فرهنگی.

جاسوسی کمپیوتری.

انگیزه های جاسوسی

انگیزه ایدئولوژیکی یا عقیدتی.

انگیزه انتقام جوی و انتقام گیری.

انگیزه عشقی - عاطفی.

انگیزه مادی.

انگیزه روانی.

سیر تاریخی جاسوسی:

هر زمان که موضوع جاسوسی مطرح می شود ممکن است این سوال به ذهن خواننده و یا شنونده خطور نماید که پدیده جاسوسی از چه زمانی و در کجا برای نخستین بار به وقوع پیوسته است.

به نظر باستان شناسان قدامت و پیشینه پدیده جاسوسی به گذشته های دور برمی گردد به اساس یافته های باستان شناسان انسان های اولیه تکتیک های ساختن ابزار و وسایل شکار و طریقه شکار نمودن را از هم نوعان خویش پنهان می کردند، بنا گفته می توانیم که جاسوسی اقتصادی از جاسوسی نظامی کرده قدامت بیشتر دارد.

باشکل گیری تمدن های مصر، بین ا لنهرین و روم جاسوسی نیز گسترش یافت به اساس یافته های تاریخی مصریان اولین مردمان بودند که سیستم بسیار منظم جاسوسی را ایجاد کرده بودند.

اما جاسوسی در دنیا معاصر فعالیتت است که رابطه بسیار تنگاتنگی با جنگ دارد، کشور های امپریالیستی برای مهار و سرکوب جنبش های آزادی خواه و استقلال طلب ملیون ها دالر را در اختیار شبکه های جهنمی جاسوسی خویش قرار می دهند.

در شرایط کنونی که افغانستان به اشغال کامل امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم امریکا در آمده است، عموماً این اصطلاح از سوی اعضای حزب جمعیت اسلامی و شورای نظر برای افراد حزب اسلامی ارغندیوال و چهره های تسلیم شده طالبان مورد استفاده قرار می گیرد. از نظر ایشان این چهره های تسلیم شده ستون پنجم پاکستان اند. این خائنین و میهن فروشان که به تمام معنی همراه با دیگر میهن فروشان در خدمت اشغالگران امپریالیست قرار دارند میخواهند تا قضیه را معکوس جلوه داده و اشغالگران را برائت دهند و به اشغال افغانستان مشروعیت بخشند. همانطوریکه مزدوران سوسیال امپریالیزم شوروی در زمان اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم می خواستند طوری وانمود سازند که تمام پرابلمها و مداخلات از طرف پاکستان صورت می گیرد، تا از این طریق میهن فروشی خویش را پوشا نیده و به اشغال افغانستان جنبه قانونی بدهند و آنرا مشروع جلوه گر سازند. چنانچه رشید دوستم این ملیشی جنایتکار معاون اول ریاست جمهوری کنونی در صحبت هایش با نیروهای تحت امرش که از طریق تلویزیون هامنتشر گردید باصراحت بیان داشت که «من سی سال می شود که با پاکستان جنگیدم و همین اکنون نیز می جنگم.» بیانگر آنست که این جنایتکار هیچ شرمی از جنایات گذشته اش ندارد، و وضعیت کنونی ادامه وضعیت سابقه است فقط شکلش تعویض گردیده، اما محتوایش همان است. میهن فروشان امروزی به دنبال میهن فروشان دیروزی در حرکت اند. هدف اصلی این ها این است که پاکستان را آنقدر بزرگ جلوه گر سازند تا توده ها باور کنند که پاکستان در مقابل ناتو ایستاده است، در حالیکه پاکستان خود یکی از کشورهای کاملاً وابسته به امپریالیزم امریکا است. همین قدر بحران و فساد است که دامنگیر رژیم پوشالی است به همان میزان پاکستان به بحران و فساد دچار گردیده است. رژیم پاکستان از درون پوسیده و دچار بحران می باشد. رهبری و کنترل تمام نیروهای داخل پاکستان بشمول طالبان از دستش بیرون رفته، همانطوریکه امپریالیزم امریکا و متحدینش بنیاد گرایان اخوانی، القاعده و داعش را تربیه نمود، اما بطور مطلق نتوانست و نمی تواند آنها را تحت کنترل گرفته و مهار نماید.

نیروهای ارتجاعی و میهن فروش می خواهند که مسئله عمده کشور که همان اشغال افغانستان می باشد تحت الشعاع جعلیات خویش قرار داده و ذهینیت توده ها را منحرف نموده و به سوی پاکستان متوجه نمایند. همین اکنون پاکستان آنطوریکه جهادی ها را در زمان جنگ مقاومت تحت رهبری داشت، طالبان را تا کنون نتوانسته تحت رهبری خویش در آورد. تلاش دارد تا ایشان را تحت رهبری خود در بیاورد. در خواست رژیم پوشالی از پاکستان برای کشاندن طالبان به پای میز مذاکره به این معنی است که از پاکستان می خواهد تا هرچه زودتر ایشان را تحت رهبری خویش در آورد و کنترل نماید.

امروز افغانستان به مرکز ولانه استخباراتی جهان مبدل گردیده است، و اراکین بلند رتبه رژیم دست نشانده هر کدام وابسته و جاسوس کشورهای امپریالیستی اند و به این جاسوسی افتخار می کنند.

چون بحث جاسوس بمیان آمد در این جا ضرور است که معنی لغوی و اصطلاحی جاسوس را بدانیم و نگاه اجمالی به سیر تاریخی جاسوسی بیندازیم.

پروژه طالبان نیز یک پروژه استخباراتی بود که توسط دستگاه جاسوسی انگلیس و امریکا طرح و به کمک ای ایس ای به اجرا درآمد. با اشغال افغانستان از سوی امریکا افغانستان یک بار دیگر به مرکز جاسوسی شبکه های جاسوسی جهان مبدل گردید. شاه شجاع ثالث (حامد کرزی) از جواسیس بسیار ماهر سیا به شمار می رود وی از آوان آغاز مبارزه علیه روس ها به خدمت سازمان جاسوسی امریکا درآمد بود و به همکاری همین سازمان به سرباندی رژیم دست نشانده رسید. در پهلوی حامد کرزی حنیف اتمر نیز یکی از جواسیس بی ضمیر و وطن فروش در رژیم پوشالی افغانستان به شمار می رود وی که در گذشته برای سازمان استخباراتی «شوروی» کار می نمود، فعلا با دارش را تغییر داده است و به اغوش انگلیسها پناه برده است و به کمک MI6 به سردمداری شورای امنیت رژیم مزدور رسیده است.

از سوی دیگر جبهه شمال درکل و شورای نظار به طور خاص به اجازه روس ها به زیر بیرق سازمان جاسوسی امریکا خزیده اند، در این مورد کتاب تحت عنوان ماموریت سقوط اثر گری شرون مامور ارشد سیا حقایق زیاد برملا ساخته است.

همین حالا صدها افغان بی ضمیر و مهین فروش برای شبکه های جاسوسی جهان در افغانستان کار می کنند، به اساس راپور های موثق سازمان جاسوسی امریکا در افغانستان یک تیم بسیار منظم استخباراتی دارد که به شمول اشرف غنی، شکرپه بارکزی، شینکی کروخیل، معصوم ستانکزی و ده ها چهره مزدور عضو این تیم هستند.

اما رسانه های مزدور و سیاسیون دشمن شادکن در افغانستان با کتمان حقایق تنها و تنها ای ایس ای را به عنوان شبکه جاسوسی معرفی می کنند و قصدا درصدد بزرگ نمایی این شبکه است، در حالیکه ای ایس ای یک شاخه سیا در افغانستان و پاکستان به شمار می رود و ای ایس ای بدون دستور سیا هیچ کاری به پیش برده نمی تواند.

از سوی دیگر سازمان های جهنمی کشور های امپریالیستی در چهارده سال گذشته یک جال بسیار بزرگ جاسوسی را در افغانستان گسترانیده است که از اعضای ارشد رژیم دست نشانده گرفته تا فعالان مدنی (پادوهای رژیم) و از زورنالیستان مزدور الی روحانیون تسلیم طلب را نیز شامل می شوند.

تاریخ چهل سال پسین افغانستان نشان داده است که هیچ جاسوس در هیچ مقطع تاریخی به سزای اعمالش نرسیده چون در این مدت یک حکومت دمکراتیک و مردمی به وجود نیامده است و جواسیس هم فقط با تعویض نمودن با دارشان به وظیفه ضد مردمی خویش ادامه می دهند.

در رژیم دست نشانده افغانستان از جواسیس کی جی بی گرفته تا جواسیس ای ایس ای حضور دارد و به کمک همین شبکه های جهنمی به مقامات بلند حکومتی رسیده اند.

تا زمانی که که یک حکومت مردمی و دمکراتیک به وجود نیاید، این جاسوسان همین گونه بالای سر نوشت مردم افغانستان حاکم خواهند بود و به چاکر منشی خویش ادامه خواهند داد، برای پایان دادن به این وضعیت اشفته باید در زیر یک درفش واحد انقلابی گردهم بیاییم و با طرد نیروی های اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده جواسیس تمامی شبکه های جاسوسی را در دادگاه های خلق محاکمه نماییم.

در افغانستان هم جاسوسی برای قوای متجاوز و اشغالگر سابقه طولانی دارد، زمانیکه نیروی ددمنش و متجاوز انگلیسی خواست افغانستان را مورد تهاجم نظامی قرار بدهد، قبل از همه جواسیس (انگلیسی و هندی) خویش را در لباس تاجران، طبیان و روحانیون وارد افغانستان نمودند تا اوضاع نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور را از نزدیک ترصد نمایند.

در طول حضور انگلیسها در افغانستان دستگاه جاسوسی این کشور صدها افغان وطن فروش، بی ضمیر و دشمن شادکن را به خدمت گرفت، و از این نیروهای اجیر و زر خرید در عرصه های گوناگون مانند جمع آوری معلومات، ایجاد نفاق مذهبی - ملیتی، انقیاد ملی و تضعیف روحیه مبارزان افغان کار گرفت.

زمانیکه شاه امان الله خان غازی در سال ۱۹۱۹ استقلال افغانستان را بدست آورد، دولت انگلیس با استفاده از جواسیس خویش در صدد براندازی حکومت وی گردید.

یکی از جواسیس معروف انگلیسها نادر غدار بود، نادر خان که در منطقه دیره دون (دهرادون) هند بریتانوی به دنیا آمده بود، تاسن بیست سالگی تحت تربیت انگلیس ها قرار داشت و به کمک انگلیس ها به دربار امیر حبیب الله خان راه یافت.

در زمان حاکمیت نادر غدار در پهلوی جواسیس بومی جواسیس فروان هندی (اتباع هندی که برای شبکه جاسوسی انگلیس کار می کردند) در رژیم نادر خان فعال بودند، که به گونه نمونه از الله نواز خان ملتانی (وزیر دربار سلطنتی) و متعاقبا یاور خاص نادر خان و قربان حسین گادی وان ملقب به شاه جی سید عبدالله خان همدانی (سپه سالار در ارتش افغانستان) می توان نام برد.

بعد از مرگ نادر غدار در زمان صدارت محمد هاشم خان نیز بازار جواسیس انگلیسها بسیار گرم بود، که با روی کار آمدن داود خان (ملقب به سردار دیوانه) جایشان را به تدریج جواسیس روسی واگذار نمود در زمان صدارت و ریاست جمهوری داود خان سازمان جاسوسی سوسیال امپریالیزم روسی در تمامی ادارات دولتی ملکی و نظامی ریشه دوانده بود.

با کودتا هفت ثور و سپس تهاجم نیروی های اشغالگر سوسیال امپریالیزم «شوروی» همه اعضای حزب دمکراتیک خلق و کارمندان بلند رتبه رژیم کودتاگر به جواسیس اشکار (K.G.B) مبدل شدند.

و ایسلی میتروخین ارشیف دار ارشد سازمان جاسوسی شوروی در اثر مشهورش (افغانستان در چنگال کی جی بی) به وضاحت بسیار از نور محمد ترکی، حفیظ الله امین، ببرک کارمل، نجیب جلال... به عنوان عمال و جواسیس (کی جی بی) نام می برد

در زمان حاکمیت تنظیم های جهادی نیز افغانستان از مراکز عمده جاسوسی جهان به شمار می رفت، که به گونه نمونه از چند چهره مشهور این جواسیس نام می بریم.

گلبدین حکمتیار جاسوس (سیا و ای ایس ای)

احمد شاه مسعود جاسوس (کی جی بی)

عبدالعلی مزاری جاسوس (سپاه پاس داران ایران)

عبدالرشید دوستم جاسوس (کی جی بی)

به مناسبت تجلیل از

پنجاهمین سالگرد بنیادگذاری جریان دموکراتیک نوین افغانستان

رهبران جریان دموکراتیک نوین دستگیر گردیده و به زندان انداخته شدند.

جنبه‌های ضعیف خط و مشی عمدتاً اصولی سازمان و سرکوب‌گری‌های ارتجاع ظاهرشاهی در قبال جریان دموکراتیک نوین دست‌به‌دست هم داده از یک طرف زمینه‌ساز اولین انشعاب در جریان گردید و از طرف دیگر شکل‌گیری یک خط و مشی متفاوت با خط و مشی مؤسس سازمان را به‌صورت درونی باعث گردید. اما این انشعاب آشکار در جریان و شکل‌گیری درون سازمانی یک خط و مشی متفاوت با خط و مشی رفیق زنده یاد اکرم یاری، نتوانست تأثیرات سوء برجسته و گسترده بی‌بر فعالیت‌های مبارزاتی جریان داشته باشد. ولی فشارهای درونی و بیرونی بر سازمان و جریان زمینه‌ساز مبتلا شدن رفیق زنده‌یاد اکرم یاری به یک مریضی جان‌کاه گردید که در اثر آن دیگر نتوانست به‌فعالیت‌های سازمانی‌اش ادامه دهد و ناگزیر از سازمان کناره‌گیری اختیار نمود. پس از آن خط و مشی متفاوت با خط رفیق زنده یاد اکرم یاری که از قبل در درون سازمان شکل گرفته بود بر سازمان مسلط گردید.

زمانی که یک‌گردهم‌آیی جریان دموکراتیک نوین افغانستان در سال ۱۳۵۱ خورشیدی در پوهنتون کابل مورد حمله ددمنشانه ارتجاع اخوانی گلبدینی قرار گرفت، یکی از رزمندگان فعال جریان یعنی «سیدال سخندان» جان‌باخت. در همین سال مسئولیت کشته شدن مشکوک یکی از متعلمین مکاتب شهر هرات در جریان یکی از تظاهرات در آن شهر توسط جناح خلق حزب دموکراتیک خلق افغانستان به دوش شعله‌بی‌ها انداخته شد. به‌دنبال این حوادث، سازمان و جریان به دو بخش مدافعین و انتقادیون تقسیم گردید. رهبری جدید سازمان جوانان مترقی و خط و مشی غیر اصولی و غیر فعال آن نه‌تنها قادر نگردید بر این مشکلات فایق آید، بلکه در مقابل آن سپر انداخت. در نتیجه، سازمان به‌سرعت به‌طرف انحلال سوق یافت، جریان فروپاشید، بخش اعظم منسوبین سازمان و جریان غیرفعال گردیدند و منحرفین اکونومیست که بخش عمده انتقادیون را تشکیل می‌دادند بر بخش‌های زیادی از فعالین باقیمانده جریان مسلط شدند. جریان دموکراتیک نوین که پراکنده شده و فروپاشیده بود نه‌تنها نتوانست از کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ داودخان، که به هم‌کاری فعال مزدوران تجدید نظر طلب سوسیال‌امپریالیست‌های شوروی و موافقت و هم‌کاری خود «شوروی‌ها» صورت گرفت، جلوگیری نماید، بلکه در مواجهه با استبداد داودخانی، که تحت نام و ماسک جمهوریت صورت می‌گرفت، بیشتر از پیش پراکنده و متشتت گردید و بقایای آن به‌طرف انحرافات و انشعابات بیشتر پیش‌رفتند و در صحنه مبارزات سیاسی افغانستان بیشتر از پیش به حاشیه کشانده شدند.

کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ توسط مزدوران تجدید نظر طلب سوسیال

امروز، ۱۳ میزان سال ۱۳۹۴ خورشیدی، مصادف است با پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان جوانان مترقی افغانستان. سازمان جوانان مترقی افغانستان در نشست عمومی مؤسس آن سازمان در ۱۳ میزان سال ۱۳۴۴ خورشیدی اعلام موجودیت کرد. خط و مشی مبارزاتی سازمان یک خط و مشی علمی و ضد ارتجاعی، ضد تجدید نظر طلبی و ضد امپریالیستی و ضد سوسیال‌امپریالیستی بود. اتحاد این خط و مشی مبارزاتی به پیش‌گامی رفیق زنده‌یاد اکرم یاری صورت گرفت. با تکیه بر این خط و مشی مبارزاتی اصولی و فعال، سازمان جوانان مترقی به زودی توانست ابتکار راه اندازی جریان دموکراتیک نوین افغانستان را روی دست گیرد. از آنجایی‌که انتشار جریده شعله جاوید به عنوان ناشر اندیشه‌های دموکراتیک نوین نقش موثری در رشد و گسترش جریان دموکراتیک نوین افغانستان بازی نمود، جریان مذکور به نام جریان شعله جاوید معروف گردید، به نحوی که تا امروز تمامی شخصیت‌ها و تشکلاتی که ریشه‌های تاریخی‌شان از لحاظ فکری و سیاسی به جریان دموکراتیک نوین افغانستان در دهه چهل خورشیدی می‌رسد بنام شعله‌یی یاد می‌شوند.

سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین افغانستان در هر سه عرصه مبارزاتی ضد ارتجاعی، ضد رویزبونیستی و ضد امپریالیستی و سوسیال‌امپریالیستی به نحو اصولی و فعالانه مبارزاتش را پیش می‌برد. به همین جهت جریان دموکراتیک نوین افغانستان یا جریان شعله جاوید به‌سرعت به‌بزرگترین جریان سیاسی توده‌یی و کثیر الملیتی کشور مبدل گردید که بخش بزرگی از روشنفکران، کارگران و خرده بورژوازی شهری مبارز از ملیت‌های مختلف کشور را در رهبری و صفوف خود جای داده بود. به همین جهت مورد کینه و نفرت عمیق و گسترده ارتجاع، تجدیدنظرطلبان وطنی و امپریالیست‌ها و سوسیال‌امپریالیست‌ها قرار گرفت.

اولین قربانی حمله ارتجاع بر جریان دموکراتیک نوین افغانستان زمانی صورت گرفت که این جریان هنوز قد راست نکرده بود و از طریق پخش شب‌نامه‌ها و سایر شکل‌های فعالیت‌های مبارزاتی مخفی و نیمه‌مخفی مبارزاتش را پیش می‌برد. این رفیق جان‌باخته یکی از منسوبین کارگری جریان بود که حین پخش یک شب‌نامه توسط پولیس ارتجاع دستگیر گردید و زیر شکنجه‌های ددمنشانه قاتلان مرتجع و هار جان‌باخت. دومین حمله بر جریان که توسط سانسورچیان ارتجاع به منظور غضب یک وسیله مهم تبلیغاتی آن صورت گرفت، توقیف جریده شعله جاوید پس از انتشار ۱۱ شماره آن در اوایل سال ۱۳۴۷ خورشیدی بود. حمله سوم ارتجاع بر جریان که به تعقیب حمله دوم و مدت کمی بعد از آن صورت گرفت، حمله «قوای ضربه» پولیس ارتجاع بر تظاهرات روشنفکری - کارگری تحت رهبری جریان بود. در اثر این حمله، تظاهرات سرکوب گردید و عده زیادی از روشنفکران و کارگران شعله‌یی و به ویژه عده‌ای از

سیاسی مخالف امپریالیست‌ها و مرتجعین باقی مانده‌ایم و هنوز نتوانسته‌ایم یک مقاومت وسیع و همه‌جانبه علیه اشغال‌گران کنونی و دست‌نشانندگان شان را بسیج، سازمان‌دهی و رهبری نماییم. یکی از عوامل مهم ابتلای ما به این وضعیت نامناسب و نامساعد آن است که هنوز درد و سوز زخم‌های عمیق شکست تلخ جنبش ما در مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی جان‌وتن ما را می‌آزارد و روح‌وروان ما را پژمرده می‌سازد.

اما نجات از این درد و پژمرده‌گی نه‌تنها مورد نیاز و ضروری است بلکه قطعاً ممکن و قابل حصول نیز می‌باشد. نباید فراموش کنیم که جنبش ما در طی سه دهه گذشته، علیرغم سقوط عدّه زیادی از رفقای نیمه راه و دشمن‌شادکن به منجلاّب تجدیدنظر طلبی و خیانت‌های طبقه‌ای و ملی در قبال دشمنان ارتجاعی و امپریالیستی، مشخصاً در قبال امپریالیست‌های اشغال‌گر امریکایی و متحدین شان و رژیم پوشالی دست‌نشانده شان، پیوسته به موضع‌گیری‌های ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی پرداخته و پیشاپیش همه نیروهای سیاسی افغانستان به مخالفت با حاکمیت ارتجاعی «جهادی‌ها»، امارت قرون وسطایی و عقب‌گرای طالبان، تجاوز و اشغال‌گری امپریالیست‌های امریکایی و متحدین شان و رژیم دست‌نشانده شان برخاسته است. به گفته یکی از نویسندگان مرتجع، ما پیوسته «دولت ستیز» باقی مانده ایم. بنابراین ما از یک پایه فکری و سیاسی ارتقا و گسترش مخالفت ضعیف سیاسی کنونی علیه اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده به یک مقاومت همه‌جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه آن‌ها برخوردار هستیم؛ به شرط این‌که کمبودها و نواقص خود را بزدااییم، بر اصولیت‌ها و درستی‌های علمی فکری و سیاسی مان قاطعانه اتکاء کنیم و بر مبنای خط و مشی اصولی علیه پراگنده‌گی و تفرقه در جنبش قاطعانه مبارزه نماییم.

مبارزه علیه امپریالیزم، ارتجاع و اپورتونیزم پایه و اساس مبارزه انقلابی را تشکیل می‌دهد. اما این پایه و اساس، در مراحل مختلف تکامل اجتماعی کشور، در اشکال عمده و غیرعمده تبارز خود نمایان می‌گردد.

در حال حاضر سلطه امپریالیزم بر افغانستان از لحاظ نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به‌طور عمده در سلطه همه جانبه اشغال‌گران امپریالیست امریکایی و متحدین شان بر افغانستان متبلور گردیده است، هم‌چنان‌که سلطه ارتجاع عمدتاً توسط سلطه پوشالی رژیم دست‌نشانده اشغال‌گران بر کشور مشخص شده است. برعلاوه باید گفت که متأسفانه هنوز اشغال‌گران امپریالیست از کشور رانده نشده و رژیم دست‌نشانده سرنگون نشده است که تجاوز خرنده یک دولت ارتجاعی خارجی (داعش) بر افغانستان و گسترده شدن روزافزون دامنه اشغال‌گری‌هایش را شاهد هستیم. این‌ها مجموعاً در حال حاضر دشمنان عمده کشور و مردمان کشور محسوب می‌گردند و آماج مقاومت ملی مردمی و انقلابی کنونی و مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی آینده هستند. در واقع اپورتونیزم‌های تسلیم شده تجدیدنظرطلب به این دشمنان عمده کشور و مردمان کشور نیز در زمره همین دشمنان قرار دارند و باید آماج مقاومت ملی مردمی و انقلابی دانسته شوند.

امپریالیزم شوروی به‌هم‌کاری نزدیک مشاوران نظامی و قوای هوایی متجاوز «شوروی» و آغاز سرکوب‌گری‌های سبعانه وسیع و گسترده کودتاچیان علیه تمامی نیروهای سیاسی مخالف شان در افغانستان - به شمول منسوبین سابق سازمان جوانان مترقی، جریان دموکراتیک نوین و تشکلات برخاسته از متن آنها و حتی شعله‌یی‌های سابق غیرفعال و غیرمربوط به تشکلات موجود - باعث گردید که یک‌بار دیگر جنب‌وجوش مبارزاتی در میان بقایای جریان دموکراتیک نوین افغانستان به‌وجود آید و خواست عمومی برای وحدت بخش‌های مختلف بقایای جریان در میان آن‌ها شکل بگیرد. اما این خواست مبنای ایدیولوژیک - سیاسی روشن و میدان توده‌یی وسیع نداشت. بخش‌های مختلف بقایای جریان دموکراتیک نوین افغانستان نه‌تنها در صحنه سیاسی افغانستان سال‌ها عقب‌ماندگی داشتند بلکه در قبال انکشافات جدید در جنبش انقلابی بین‌المللی نیز شدیداً عقب‌مانده بودند و کمبودات و انحرافات سابق شان وسیع‌تر و عمیق‌تر گشته بود. طبیعی بود که این جنبش مبتلا به کمبودات و انحرافات وسیع و عمیق و دچار تشتت و تفرقه نه‌تنها نتواند عکس‌العمل اصولی و نیرومند در قبال کودتاچیان ۷ ثوری و سپس تجاوز و اشغال‌گری سوسیال امپریالیست‌های شوروی از خود نشان دهد، بلکه بخش‌هایی از آن به دامان ناپاک تجدیدنظرطلبی‌های جدید در جنبش انقلابی بین‌المللی سقوط کردند و بطور کلی از دایره جنبش دموکراتیک نوین بیرون رفتند.

در هر حال این جنبش متشتت و متفرق نه از لحاظ ایدیولوژیک - سیاسی آماده مقابله اصولی با اشغال‌گران سوسیال امپریالیست و دست‌نشانندگان تجدیدنظرطلب وطنی شان و رشد و گسترش روزافزون نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیست‌های غربی و قدرت‌های ارتجاعی منطقه‌یی بود و نه از لحاظ توان توده‌یی سازمان‌یافته و نظامی. با وجود این در مبارزه و مقاومت علیه رژیم کودتا و اشغال‌گران سوسیال امپریالیست ده‌ها هزار نفر از رهبران و صفوف خود را قربانی داد. طبیعی بود که فرجام این نبرد چیزی جز شکست تلخ چیز دیگری نمی‌توانست باشد. زخم‌های این شکست تلخ آن‌چنان عمیق است که تا هم اکنون - یعنی پس از گذشت تقریباً سه دهه از زمان شکل‌گیری مجدد خط و مشی اصولی میراث دار، ادامه دهنده و تکامل دهنده خط و مشی اصولی رفیق زنده یاد اکرم یاری و ارتقا و گسترش آهسته و پیوسته اش تا زمان حاضر - هم‌چنان تازه است و درد و سوز جان‌کاهش هنوز احساس می‌شود. ما در جریان چندین تحول پیهم سیاسی - نظامی در طی این سه دهه (خروج قوای متجاوز و اشغال‌گر سوسیال امپریالیستی از کشور و سپس فروپاشی رژیم بازمانده از دوران اشغال «شوروی»؛ روی کار آمدن تنظیم‌های جهادی، تشکیل دولت اسلامی و خانه‌جنگی‌های خانمان‌سوز میان جهادی‌ها؛ شکل‌گیری تحریک اسلامی طالبان، گسترش سریع نفوذ آن‌ها در کشور و تشکیل امارت اسلامی طالبان در اثر حمایت‌های ارتجاعی و امپریالیستی خارجی و سرانجام تجاوز و اشغال‌گری امپریالیست‌های امریکایی و متحدین شان بر افغانستان، سرنگونی امارت اسلامی طالبان توسط آن‌ها، تشکیل حاکمیت پوشالی رژیم دست‌نشانده و سپس آغاز مقاومت‌های جنگی ارتجاعی طالبان علیه اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده و گسترش آن) در سطح یک جنبش ضعیف

در خون خفته ما کماکان حضور دارد. اگر کل برنامه برگزاری از پنجاهمین سالگرد بنیادگذاری جنبش دموکراتیک نوین کشور بتواند گام روشنی باشد در جهت تثبیت این حضور و ارتقا و گسترش درست، اصولی و رزمنده آن در آینده، ما احساس غرور و افتخار می نماییم و اعلام می کنیم که تمامی رفقا و دوستان هم کار ما و تمامی رفقا و دوستان حاضر در محافل امروز نیز در این احساس سربلندی مبارزاتی با ما شریک و سهیم هستند.

زنده، شگوف و پیشرونده باد جنبش دموکراتیک نوین در
افغانستان!

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی
همه جانبه علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده و
مرتجعین متجاوز و اشغالگر داعشی!

کمیته برگزاری پنجاهمین سالگرد بنیادگذاری جریان
دموکراتیک نوین افغانستان

۱۳ میزان ۱۳۹۴ خورشیدی (۵ اکتوبر ۲۰۱۵ میلادی)

عمده دانستن مقاومت علیه این دشمنان عمده کشور و مردمان کشور به مفهوم نادیده گرفتن کامل مبارزه علیه دشمنان غیر عمده نیست و نمی تواند باشد. اما این مبارزه باید تابع منافع عمومی مقاومت علیه دشمنان عمده باشد و در هم سویی و هم آهنگی با آن پیش برده شود. مبارزه علیه سایر دولت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی و وابستگان شان را باید در زمره همین نوع مبارزه به حساب آورد و به پیش برد. بر علاوه مبارزه علیه سایر گرایشات اپورتونیستی و غیر تجدیدنظرطلب در میان منسوبین کنونی جنبش مترقی و انقلابی کشور نیز ضروری و مهم است و نباید به فراموشی سپرده شود.

کمیته برگزارکننده پنجاهمین سالگرد تاسیس سازمان جوانان مترقی، علی رغم تمامی محدودیت ها و ناتوانی های دست و پاگیر تلاش کرده است که طی چندین محفل در نقاط مختلف کشور، تجلیل شایسته ای از این روز به عمل آورد. از تمامی رفقا و دوستانی که در جوانب مختلف این کاروبیکار ما را مدد رسانده اند اظهار امتنان می نماییم و تمامی رفقا و دوستانی را که در محافل امروزی شرکت کرده اند خیرمقدم می گوئیم. امیدواریم برگزاری این محافل گام کوچکی باشد در جهت معرفی جنبش ما، جنبشی که علی رغم ضربات پیهم وارده بر پیکرش در طی عمر مبارزاتی پنجاه ساله اش و جان باختن باربار کل جمع بزرگان و رهبرانش در مبارزه و مقاومت علیه امپریالیسم و ارتجاع هم چنان زنده است، نفس می کشد و در صحنه مبارزاتی کشور

هفتم اکتوبر، سر آغاز جنگ تجاوز کارانه و اغواگرانه

امپریالیستها را به شدت محکوم می کنیم!

وتجاوز کارانه امپریالیستی است که تضاد میان خلق های تحت ستم و امپریالیسم به عنوان تضاد عمده جهانی شناخته میشود.

و اما در افغانستان: از زمان اشغال این کشور و شروع جنگ تجاوز کارانه و اغواگرانه امپریالیست ها، جوانان این سرزمین بیشترین قربانی را متحمل گردیده اند. رشد روز افزون فقر و فشار بیش از حد اجتماعی بالای جوانان از یکسبوعت گردیده تا عده ای به پولیس و اردوی رژیم دست نشانده ثبت نام نمایند، تا برای استحکام این تجاوز و حفظ هژمونی امپریالیستهای یانکی تربیت و تعلیم ببینند. وعده ای به اشغالگران داعشی ببیوندند. از سوی دیگر سر و صدای باز شدن به اصطلاح مرزهای کشورهای اروپائی عده ای را به فکر فرار از کشور انداخته است.

شکل گیری یک تجاوز و اشغالگری جدید تحت نام «داعش» در بطن اشغالگری کنونی که هنوز به پایان نرسیده، پالیسی دیگری از جنگ های خانمان سوز ارتجاعی است که باعث رعب و وحشت از طریق ایجاد گروه های وحشت افکن در

چهارده سال پیش از امروز، امپریالیست های اشغالگر به سرکردگی امپریالیسم لجام گسیخته امریکا، با موشک باران و بمباران وحشیانه هوائی، توام با کشتار مردمان ملکی و ویرانی هزاران روستا در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ میلادی حملات نظامی شانراتحت نام به اصطلاح مبارزه علیه تروریسم آغاز نموده و برین کشور تجاوز نمودند و به تعقیب آن متحدین امپریالیستی (ناتو - آیساف) بطور وحشیانه به افغانستان سرازیر شدند.

تاریخچه ایالات متحده امریکا به صراحت و وضاحت نشان میدهد که امریکا از سالهای ۱۸۸۶ میلادی تا ۲۰۱۳ میلادی ۲۶۲ مورد تجاوز و دخالت گری امپریالیستی در اطراف و اکناف جهان داشته است که ثبت تاریخ تجاوز کارانه اش میباشد. با یک نگاه به تاریخ تجاوز کارانه امپریالیست های یانکی این رقم بطور اوسط به سال دو مرتبه در جهان اتفاق افتاده است. بناء سرشت امپریالیست ها و در راس آن امریکا، سرشتی تجاوز کارانه، چپاولگرانه و غارتگرانه میباشد و ددمنشی سبعانه علیه خلق های جهان را به همراه داشته و دارد، برمبنای همین تئوری اشغالگرانه

را از این مصیبت نجات دهید باید همراه با نیروهای انقلابی کشور برای یک مقاومت سخت و طولانی ملی مردمی و انقلابی علیه تمام اشغالگران امپریالیستی و رژیم دست نشانده شان و همچنان اشغالگران ارتجاعی داعشی آماده شوید و کمرهمت را محکم بسته نمایید و اشغالگران را آماج مقاومت ملی مردمی و انقلابی در افغانستان قرار داده و تا بیرون راندن کامل شان استوارانه به پیش روید.

مرگ بر اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی

« جنبش انقلابی جوانان افغانستان »

۷ اکتوبر ۲۰۱۵ (۱۵ میزان ۱۳۹۴)

جهان و بخصوص کشورهای تحت سلطه میباشد تا با ایجاد چنین جوی بتوانند زمینه فرار مردم از سرزمین آبائی شان را مساعد ساخته و بر دوام اشغالگری های سبعانه و ددمنشانه بیافزایند.

افزودن دوام این اشغالگری به نحو دیگری برای این کشور و مردمان کشور در حال تطبیق است. زمینه سازی برای تجاوز و اشغالگری دیگری که خلافت ارتجاعی عرب بدان خیال پردازی میکند و بدین حساب میکوشد تا افغانستان را به عنوان ولایت خراسان یعنی ولایت تحت نفوذ «خلافت اسلامی» بار دیگر به شرایط قبل از طاهریان و صفاریان ببرد، همه و همه نشاندهنده این وضعیت است که اوضاع به شدت در حال پیچیده شدن است و ما باید برای یک مقاومت سخت و طولانی ملی مردمی و انقلابی کمر بسته و صفوف مبارزات مان را استحکام بیشتری بخشیم.

جوانان غیور!

اوضاع کشور به شدت پیچیده تر از قبل است، فرار از کشور راه چاره نیست، اگر بخواهید که خود و نسل بعدی

بیست و هشتم اسد

نماد استقلال طلبی مردمان مان را به مقاومت همه جانبه علیه اشغالگران کنونی مبدل کنیم!

و با نشان دادن شاه شجاع سوم (کرزی) بر چوکی ریاست جمهوری سلطه خود را برین کشور کامل کردند و با روی کار آوردن رژیم فاسد کنونی و امضای ننگین توافقنامه امنیتی، افغانستان را برای مدت طولانی در اختیار خود قرار دادند تا بتوانند از طریق افغانستان، منطقه (آسیای میانه، خاور میانه و جنوب آسیا) را بصورت مستقیم و غیر مستقیم تحت کنترل خود داشته باشند.

زمانیکه تاریخ کشور را ورق میزنیم، مینگریم که مقاومت های مردمان این دیار بر علیه تجاوز و اشغال خارجی با خیزش و خروش و جنبش اقشار وسیع اجتماعی که جوانان بخشی از آنها تشکیل میدهند، عجین بوده و نقش عمده و بار سنگین مبارزات را توده های ستمدیده سرزمین مان در هر مقطع از زمان بر دوش کشیده اند. چنانکه شکست استعمار پیر انگلیس که مدت ۸۰ سال (۱۸۳۹-۱۹۱۹) در این کشور حکم راند و همچنان سرنگونی قهری سوسیال امپریالیزم شوروی دو مثال بارز و آشکار از نقش عمده مبارزات توده های ستمدیده مان که جوانان بخشی از این مقاومت بودند، میباشد.

بیست و هشتم اسد سال ۱۳۹۴، نود و ششمین سالروز استرداد استقلال افغانستان از دست استعمار پیر انگلیس میباشد. از این روز که قوت قلبی و نشانه افتخار و غرور سرزمین کهن ماست، در پرتوی از خوشحالی میتوان آنها را تجلیل کرد و یاد جان باختگان راه آزادی را که درین راه از خون شان گذشتند گرامی داشت و خاطر نشان ساخت که ما امروز با فریاد هر چه راسختر و با عزمی هر چه متین تر، تعهد میکنیم که برای ادامه دادن راه آنان با مقاومت ملی مردمی و انقلابی تا سرحد بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده و حصول استقلال و آزادی کامل، از پای نخواهیم نشست.

امروز که تقریباً یک قرن از استرداد استقلال کشور از دست استعمار پیر انگلیس میگذرد، با آنها کشور ما از ۱۴ سال بدینسو است که در اشغال کشورهای امپریالیستی به سرکردگی امپریالیزم امریکا قرار دارد و افغانستان را به مستعمره تمام عیار خود تبدیل کرده اند و هر سازی که میزنند توسط دست نشانده گان شان اجرا میشود. کشور امپریالیست امریکا و متحدانش با حيله های رنگارنگ

شعارهای دروغین دموکراسی و آزادی روی کار میاورند، به همان اندازه اراده انقلابیون جهان روز بروز برای سرنگونی امپریالیزم در حال گسترش و پیشرفت است تا خود را از زنجیر اسارت و انقیاد نجات دهند، این کار تنها با فهم و آگاهی سیاسی و با اتحاد و بسیج همگانی علیه کشور های امپریالیست تکمیل خواهد شد.

ما ضمن گرامیداشت یاد و خاطره بیست و هشتم اسد، به صراحت اعلام میداریم که یاد جانبختگان راه استقلال و آزادی را گرامی خواهیم داشت و تعهد میبندیم که برای بیرون راندن قهری اشغالگران و سقوط رژیم دست نشانده از هیچگونه اینار و فداکار دریغ نخواهیم کرد و تا قطره خونی که در بدن داشته باشیم در مقابل متجاوزین، اشغالگران و رژیم دست نشانده به مبارزات مان ادامه خواهیم داد.

پس با توجه به رسالت تاریخی نیروهای انقلابی آگاه و با توجه به تعهد متین به منافع کشور و توده های کشور با تمام قوت و توان به پیش!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان!

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

۲۸ اسد ۱۳۹۴ (۱۹ آگست ۲۰۱۵)

بعد از خروج قوای سوسیال امپریالیزم شوروی و روی کار آمدن رژیم ارتجاعی جهادی به یاری و حمایت کشورهای غربی، تعدی، ظلم، بیدادگری، چور، چپاول و ویرانگری به حالت یکنواخت به گونه دیگری ادامه یافت. جنگ های داخلی خانمان سوز که رژیم ارتجاعی جهادی در بین خود و به تعقیب آن با رژیم طالبان داشتند زمینه را برای تجاوز کشور های امپریالیستی به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا مساعد کرد.

امپریالیست های یانکی و متحدانش، برنامه شکلهی یک رژیم دست نشانده کاملاً مطیع و فرمانبردار را روی دست گرفتند. در شرایط کنونی افغانستان شورویست که در اشغال کشورهای امپریالیستی به سرکردگی امپریالیزم لجام گسیخته امریکا قرار دارد. بعد از اتمام دوره ریاست جمهوری کرسی (شجاع سوم) اشغالگران با روی کار آوردن حکومت «وحدت ملی» تمام پلان های شوم شان را یکی پی دیگری تطبیق میکنند. امضاء پیمان ننگین امنیتی اولین سند خیانتی است که با روی کار آمدن چنین رژیمی امضاء گردید و پایگاه های اشغالگران در داخل خاک کشور به تصویب رسید. وضعیت فلاکت بار اجتماعی، فقر، بیکاری و بی خانمانی دمار از روزگار مردم ستمدیده ما در آورده است و این وضعیت ناشی از سیاست های اشغالگرانه امپریالیستی و رژیم دست پرورده اشغالگران سفاک و خون آشام شان میباشد.

در وضعیت فعلی که امپریالیستهای امریکایی و متحدینش تجاوز و اشغال خود را بر ملل تحت ستم و خلق های جهان روز به روز رونق میبخشند و رژیم های دست نشانده را با

گرامی باد بیست و هشتم اسد

نود و ششمین سالروز استرداد استقلال کشور از استعمار انگلیسی



نود و ششمین سالروز استرداد استقلال کشور در حالی فرا می رسد که افغانستان با گذشت نزدیک به یک قرن از اعلان استقلال نیم بند توسط شاه امان الله، به یک کشور کاملاً مستعمره و دربند مبدل گشته است. استعمارگران انگلیسی با تجاوزات متعدد شان در سالهای ۱۸۳۹-۱۸۴۲، ۱۸۷۸-۱۸۸۰ و ۱۹۱۹ به افغانستان، کشور ما را به یک مستعمره کامل مبدل ساخته بود و مزدوران خود را به حیث حاکمان پوشالی در افغانستان تعیین نمود. اگر آن روز مکنتان و برآیدن، در پی حیاط خلوت آرزوهای خود در کشور ما بود، امروزه اخلاف انگلیسی و امریکایی وی از پانزده سال قبل با این آرزو به کشور تجاوز نمودند و با نصب

و انقلابی هم باشد، رهبری قیام ها را نیروهای ارتجاعی در دست می گیرند، و اگر چنین خطی وجود نداشته باشد، رهبری نیروهای ارتجاعی بلا منازع است. جنگ ها و قیام های توده های مردم علیه اشغالگران انگلیسی، سوسیال امپریالیزم "شوروی" و اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا گویای این مدعا است. در چنین صورتی نا امنی ها تشدید گردید، رعب و وحشت بیش از حد از طرف جناح های درگیر جنگ ایجاد می گردد.

در شرایط کنونی بحران آنقدر دامن گیر امپریالیزم گردیده که نجاتش از این بحران فقط با نابودی اش امکان پذیر است، اما امپریالیزم برای رفع این بحران ها از هیچ جنایتی دریغ نمی ورزد، روزی القاعده، روزی طالب و روز دیگر داعش را سازمان دهی می کند تا حسب مرام خویش از آنها استفاده نماید، اما شرایط عینی طبق مرام و مقصدش به پیش نرفته و نمی رود. در شرایط معینی دست نشاندهانش از وی روی بر تافته و به رویش شمشیر می کشند. شکل دهی و رشد گروه تروریستی داعش نیز به همین مقصد از طرف امپریالیزم امریکا در خاور میانه در خدمت منافع آزمندانه امپریالیست های امریکایی و متحدانش برای سرنگونی دولت ارتجاعی بشار اسد و مترسکی برای مهار نمودن دولت های ارتجاعی منطقه راه اندازی گردیده بود، زمانیکه این گروه تروریستی یک اندازه رشد نمود ادعای حکومت اسلامی بر عراق و سوریه را نمود و بعدا ادعای خلافت در سراسر جهان اسلام را، چیزیکه امریکا اصلا خواهانش نبود. گروه تروریستی داعش در این روزها در کنار سایر نیروهای ارتجاعی در افغانستان، به جای مخالفت با اشغالگران، بر طبل تشدید اختلافات قومی و مذهبی میکوبد، که این عمل خائنانه بیشتر از همه به نفع امپریالیست های اشغالگر تمام می شود.

تجارب بخوبی اثبات نموده مقاومتی که فاقد استراتیژی انقلابی باشد نمی تواند توده ها را از قید اسارت برهاند و به نحوی از انحاء زمینه ساز اشغالگری دوباره در کشور می گردد. جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم بیانگر این مدعا است. هم چنین جنگ مقاومت کنونی علیه امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم امریکا که فاقد استراتیژی انقلابی است، بدون اینکه اشغالگران از کشور رانده شوند زمینه ساز تجاوز و اشغالگری جدیدی بنام داعش در افغانستان گردیده است.

اشغالگران داعشی کشوری بنام افغانستان برسمیت نمی شناسد، بلکه کل کشور را ولایت خراسان مربوط به

شاه شجاع سوم (کرزی) بر کرسی چاکرمنشی، در تلاش تحقق آرزوهای ددمنشانه استعماری خود هستند. تجاوزگران امریکایی و متحدانش بیش از یک دهه می باشد که با بوق و کرنا، به بهانه سرکوب به اصطلاح تروریستان و حامیان طالب آن ها بر میهن ما یورش نمودند، که نتیجه ی این تجاوز وحشیانه، به خاک و خون کشاندن، آواره و بی خانمان ساختن هزاران هزار انسان بی دفاع این سرزمین میباشد. بازی عوام فریبانه امپریالیزم امریکا و شرکایش مبنی بر نابودی تروریستان، تامین به اصطلاح حقوق زنان و آوردن دموکراسی در افغانستان، امروزه بیش از همه چهره مضحک و کریمه خود را به نمایش گذاشته و ناقوس این عوام فریبی مزدورانه بیشتر از پیش بر طبل رسوایی آنان به صدا در آمده است.

امروزه در زیر سایه به اصطلاح ارمغان آوران دموکراسی، زنان سرزمین مان مورد تجاوز قرار میگیرند، سوختانده می شوند، اختطاف می گردند و قتل های ناموسی بر آنان اعمال می گردد. هیاهوگران به اصطلاح حقوق زن چرا چنین سفیهانه این جنایات را به نظاره نشسته اند، مگر یکی از بهانه های تجاوز آنان تامین حقوق زنان نبود؟ تامین صلح و آوردن امنیت یکی دیگر از بهانه های تجاوز یانکی ها و



متحدانش به کشور نبود؟ امروزه مساله نا امنی با حضور بیش از یک دهه حضور اشغالگران، خواب را از چشم مردم ما ربوده و بر آنها حرام نموده است. امروز هیچ کسی در کشور احساس امنیت و آرامش نمی کند. مبرهن است که جنگ و ناامنی یکی از خصایص امپریالیست ها بوده و می باشد و یا به عبارت دیگر امپریالیزم یعنی جنگ. زمانیکه کشوری مورد تجاوز و اشغالگری قرار گیرد بخواهی نخواهی قیام ها ی توده ای علیه اشغالگران صورت می گیرد. در صورتیکه نیروهای انقلابی ضعیف باشد ولو که دارای یک خط اصولی

چارچوب رژیم می بندند و این احزاب و نیروهای ارتجاعی نیز از مجبوری مردم سو استفاده نموده و از قوت آنان به مثابه فشار برای امتیاز گیری بیشتر از رژیم استفاده می برد. اما در زندگی روزمره مردم نه تنها تغییری رونما نمی گردد بلکه روز به روز بر فقر آنان افزوده می شود.

از این رو در آستانه ۲۸ اسد نود و ششمین سالروز استرداد استقلال کشور، بیش از همه بر ضرورت بسیج نیروهای مردمی برای تامین استقلال و آزادی واقعی کشور و مردمان کشور از دست اخلاف مکناتن و برآیدن احساس می گردد. امروزه وظیفه انسانی و مبارزاتی هر هموطن آزاده ماست تا با درک شرایط کشور، نیروهای مبارزاتی خویش را در مسیر برپایی مقاومت ملی مردمی و انقلابی تا رسیدن به استقلال و آزادی واقعی کشور و مردمان کشور بسیج ساخته و با گام های استوار جاده استقلال و آزادی را تا به آخر پیموده و کشتی استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور را به ساحل پیروزی برساند.

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان" به مثابه نیروهای پیشرو اجتماعی، خود را مسئول میداند تا برای طرد و اخراج اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی در بسیج و سازماندهی جوانان، زنان و سایر نیروهای مترقی و انقلابی گام های استوار را برداشته و تا رسیدن به استقلال و آزادی واقعی کشور از هیچ نوع جانفشانی و مبارزه دریغ نرزد. از این رو در آستانه سالروز استرداد استقلال کشور، بار دیگر همه جوانان، زنان و نیروهای انقلابی و پیشرو را به صف واحد مبارزاتی علیه اشغالگران و رژیم مزدور آنان فرا می خوانیم. تا با مبارزه جدی خویش تجاوزگران را از کشور بیرون و رژیم دست نشانده را سرنگون نموده تا افغانستان سربلندی بدور از استعمار و عاری از استثمار و ستم را برای خود و فرادهای خود رقم بزنیم.

زنده باد استقلال و آزادی

گرامی باد نود و ششمین سالروز استرداد استقلال

کشور از استعمار انگلیس

مرگ بر اشغالگران و رژیم دست نشانده آنان.

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی

مردمی و انقلابی.

"خلافت" ارتجاعی عرب می داند. تمام نیروهاییکه امروز در افغانستان زیر بیرق "داعش" جمع شده اند در حقیقت بطور رسمی نیروهای اشغالگر مزد بگیر یک کشور خارجی اند، ولو که اصل و نسب شان افغانستانی باشد.

در شرایط کنونی که دامنه نفوذ داعش روز بروز در افغانستان گسترش می یابد، تمامی نیروهای "جهادی" خارجی تبار نیز در جمله نیروهای بالفعل و بالقوه نیروهای خارجی اشغالگر داعش به حساب آمده و باید مورد آماج مقاومت ملی مردمی و انقلابی قرار گیرند.

مرگ مرموز رهبر طالبان (ملا محمد عمر آخوند) که بیش از دو سال در درون پاکستان اتفاق افتاده است با نفوذ گسترده داعش در درون افغانستان اوضاع را از گذشته پیچیده تر نموده است.

انتصاب جانشینی ملا اختر منصور از یکسو عامل نیرومند ایجاد تفرقه در میان طالبان است، و از سوی دیگر حمایت احزاب ارتجاعی اسلامی پاکستان از ملا اختر منصور و گرفتن محافل علنی طالبان در درون پاکستان بیانگر آنست که رهبری جدید طالبان استقلالیتش را نسبت به رهبری گذشته از دست داده است و کنترل دولت پاکستان روز بروز بر طالبان بیشتر و بیشتر می گردد. این یگانه خواست پاکستان است که طالبان را مانند احزاب ارتجاعی جهادی دوران مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم تحت کنترل داشته باشد تا از این طریق بتواند دولت پوشالی را زیر فشار قرار داده و به سادگی اهدافش را برآورده ساخته، امتیازات بیشتری بگیرد و از این طریق رقیبش (هندوستان) را به عقب براند.

دولت به اصطلاح وحدت ملی، که نه تنها بر مبنای اصول به اصطلاح دموکراتیک انتخابات مورد قبول خودشان روی کار آمده، بلکه در یک معامله فرمایشی، میان دو دسته انتخاباتی زیر فشار وزیر خارجه امریکا شکل گرفت. یکی از ناکارآمدترین، فاسدترین و غیر دموکراتیک ترین رژیم می باشد که در زیر سایه آن فقر، تشدید ناامنی، رکود اقتصادی، بیکاری و بحران اجتماعی تار و پود جامعه را شدیداً صدمه زده است. نارضایتی و بیزاری از این رژیم به وضوح در گفتار، رفتار و کنش های اجتماعی روزمره شهروندان در سراسر کشور به خوبی مشهود و هویدا می باشد. اما به نسبت کمبود حضور فعال مبارزان انقلابی در صفوف توده ها، برخی از مردم به نسبت عدم آگاهی، ناخواسته امید شان را به نیروها و احزاب ارتجاعی فعال در

ای هم وطن

ای وطن،

ای لاله ی سرخ چمن

ای مامنِ اجدادی و خون پرور

ای تاریخِ طولانی بشر

ای طنینِ سهمناک و خون خفتهء رمز پیروزی

ای رنج برده سالهای متوالی

ای هموطن!

بپاخیز!

بپاخیز هموطن!

بپاخیز که خاکت در فغان است

میان اندوه ویران است،

یقین دارم که میدانی

یقین دارم که میدانی

درین پرتو پرسوز، از سیاره ی نور

برین خیزش مهتاب، برین خصم پر از زور

از نور، هفت سیاره است، حیات

از جنگ و نفاق، زولان است وطن

در این خیزش پر خون، درین عالم پر درد

درین موج خروشان، برین رُوحِ گریزان

زمین نالان و رنجور است

ز دست یانکی ها چور است

میان زندگی گور است

یقین دارم که میدانی

که میدانی

رژیمی مستبد حاکم

عزا و درد مستولی

غم و ماتم برین وادی

سرود سرد و درد جاری

یقین دارم که میدانی

تمام دردها از دست این حکام خون آشام

تمام رنج و غم جاریست

این سالها

این ماه ها

این روزها

ز دست خصم و خون خواران

ای هموطن!

سالهاست که در اندوه و ماتم گریستی

و در خلوت از بغض، در چرخ فلک ابریستی

در سیل از خون غرق گشتی و مردم ات رنجور

کاشانه دشمن شاد و توهستی ملال و کم نور

ای وطن امروز که در دام این خصم، افتادی

و زره زره خاک تو اشغال و رو به نابودیست

مگذار دیگر زبونت کنند، خوارت کنند

با این همه حيله و ننگ

با این همه خرس و نهنگ

مگذار پریشانیت کنند

با یکصدا، با یک نفس، با اتحاد، برخیز دیگر هموطن!

برخیز تا محوش کنیم، با چنگ و چوپ و یک تبر

با اشک و خون هر پدر

ای هموطن

نیست اش کنیم این دانه های بی ثمر

به خون پاک تو سوگند

گورش کنیم در کاخ شان

این خصم بدکاران را

با آن همه دار و تفنگ

خاکش کنیم، نسل شانرا، بی درنگ

تا برافرازیم درفش سرخ رنگ

از برای میهن من این شعار

تا که دست در دست نباشد، این وطن آزاد نیست!

این رژیم دست نشانده هیچگاه امداد نیست!

سیروس - ۲۰ میزان - ۱۳۹۴

سیاست را بر سایر امور مقدم بشماریم

... در وضعیت فلاکتبار و درد انگیز کنونی کشور، جوانان، به ویژه جوانان متعلق به طبقات و اقشار پائینی جامعه، یکی از آن بخش های جامعه محسوب میشوند که به شدت آسیب می بینند. این نیروی اجتماعی همچون گوشت دم توپ در جنگ تجاوزکارانه امپریالیست ها و دست نشاندهگان شان مورد استفاده قرار میگیرد و بخاطر تامین اهداف و مقاصد ضد ملی و ضد مردمی آنان قربان میشود. در افغانستان تحت اشغال و فاقد استقلال، جوانان کشور در بی سرنوشتی و بی آیندگی فوق العاده شدیدی به سر می برند. بیکاری و فقر، محرومیت از تعلیم و تحصیل، آوارگی و بی خانمانی عوامل دیگری اند که زندگی پر درد و رنج کنونی جوانان افغانستان را رقم می زنند.

جوانان یکی از بخش های حساس جامعه محسوب میشوند و در مسیر تغییرات و تحولات اجتماعی به سرعت به حرکت در می آیند. آنها حامل نیروی عظیم مبارزاتی اند که اگر آگاهانه با سائر قشرها و طبقات تحتانی و زحمتکش جامعه در آمیزند، تبدیل به انبار باروت آماده به انفجار می شوند و خرمن هستی امپریالیست ها و مرتجعین را به آتش می کشند. بسیج وسیع جوانان در مقاومت ملی، مردمی و انقلابی یکی از آن وظایف تخطی ناپذیر ملی، مردمی و انقلابی به شمار می رود که اجرای اصولی آن، نظام مستعمراتی - نیمه فئودالی حاکم را در معرض نابودی قرار میدهد.

در شرایط امروزی نیاز شدیدی برای برپائی جنبش وسیع ملی، مردمی و انقلابی جوانان وجود دارد. باید تمامی جویبارهای نارضایتی و خشم آنان به حرکت در آیند و سمت و سوی واحدی بیابند، تا قوت عظیم مبارزاتی شان در پیوند با کل مقاومت ملی، مردمی و انقلابی خلق های زحمتکش کشور و به مثابه بخشی از این سیلاب سهمگین، به حرکت درآید و بر دژهای اشغالگران و دست نشاندهگان شان، یورش برد و ویران شان سازد....

پلاتفرم مبارزاتی

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

(۱۳ دلو ۱۳۸۴)

ص ۱۳

تظاهرات ۲۰ عقرب، تب لرزه مرگ رژیم پوشالی!



ص ۱۴

د سبا فکر

ص ۱۸

ستون پنجم

به مناسبت تجلیل از پنجاهمین سالگرد بنیادگذاری جریان دموکراتیک

ص ۲۱

نوبین افغانستان

هفتم اکتوبر، سر آغاز جنگ تجاوزکارانه و اغواگرانه امپریالیستها را به

ص ۲۳

شدت محکوم می کنیم!

بیست و هشتم اسد نماد استقلال طلبی مردمان مان را به مقاومت همه

ص ۲۴

جانبه علیه اشغالگران کنونی مبدل کنیم!

گرامی باد بیست و هشتم اسد نود و ششمین سالروز استرداد استقلال

ص ۲۵

کشور از استعمار انگلیسی

ص ۲۸

ای هموطن! (شعری از سیروس)

نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان

www.afghanistanarmy.org

پست الکترونیکی (ایمیل):

jawanaan@gmail.com